

اطلاعیه سازمان جریکهای فدائی خلق ایران درباره : دستگیری تعدادی از اعضاء،

فعالین و هواداران سازمان

در صفحه ۳



قدرت متحد توده ها

و

تداوم جنبش انقلابی خلق کرد

مبارزات انقلابی خلق
زحمتکش کرد، که در طی هفت
سال گذشته بی وقفه ادامه
داشته است، هر روز با
گسترده تری به خود می گردود و
اشکالی نویسن و رشد یافته تر
متجلی می گردد. زحمتکشان
کردستان در حالیکه در شهر و
روستا و بر سر هر کوی و بزم
توسط انجوهی از پایگاههای
حفاظتی و تأسیسات نظامی
مزدوران رژیم به محاصره
در آمده اند و در حالیکه هر
حرکت اعتراضی آنان با پشور
نیروهای ارتجاعی به وحشیانه
تیرین شکنج سرکوب می شود، اما
انها مصمم و استوار همچنان
در جهت تحقق اهداف انقلابی
خود یافشاری می کنند. توده های
خلق کرد نه تنها با تداوم
در صفحه ۲

□ حزب دمکرات: سیاستهای دیروز

و مصوبات امروز

به هیچکدام از بندهای مهم
این قطعنامه بطور مشخص
نپرداخته است، لیکن تحلیل این
قطعنامه با توجه به مواضع
مطکر حزب دمکرات کاملاً صحیح
است.

ما در این نوشته سعی
می کنیم از این جنبه و با توجه
به سیاستهای دیروز حزب
دمکرات، به ارزیابی از روند آتی
سیاستهای امروز این حزب
و چشم اندازهای محتمل آن ها
در زمینه های مختلف و در روش
اساسی آن، بپردازیم.

یکی از مهم ترین صائلی که
در این قطعنامه بر روی آن
تاکید شده است، مواضع حزب
دمکرات در قبال درگیریهای
کنونی این حزب با کومه له در
کردستان است، که طبیعتاً امروز
بهره اصلی بحران کنونی جنبش
انقلابی خلق کرد را تشکیل می دهد،
که حزب دمکرات به عنوان یک پیکار
ایمن درگیرها و عامل تداوم آنها
در شرایط کنونی، و وخامت هر
چه بیشتر اوضاع در طول یکسال
در صفحه ۴

قطعنامه پایانی کناره مهم
حزب دمکرات کردستان ایران،
آخرین مواضع این حزب پیرامون
صائلی مختلف را به اختصار
بیان داشته است. مقدار ایمن
قطعنامه از چند جنبه حائز
اهمیت است، نخست از این نظر
که قطعنامه بیانگر آن است که
حزب دمکرات هیچ گونه تغییری
در سیاستهای تاکتونی خود در
تمامی زمینه های مهم نداده است،
دوم از این نظر که این مواضع که
در فاصله دو کناره، به ویژه از اواسط
سال گذشته تاکنون، همواره به
عنوان سیاست عملی حزب
دمکرات در عرصه جنبش اعمال
شده اند، امروز بصورت صوبه های
کنکوه این حزب به جنبش عرضه
شده اند. هر چند حزب دمکرات،



در صفحات دیگر:



اخبار جنبش توده ای

در صفحه ۱۷

تلاشهای جدید رژیم
برای ایجاد شوراهاى اسلامى
در سرپان

در صفحه ۲۶

بمناسبت بیست و هفتمین
سالگرد انقلاب کومله

در صفحه ۳۶

مبارزات توده ای در کردستان

(سه ماهه سوم سال ۶۴)

در صفحه ۱۲

نگاهی به

دهه میوه میبله نیک مافی دیاری کردنی چاره نویسی خوی هدید

قدرت متحد توده‌ها

و

تداوم جنبش انقلابی خلق کرد

مبارزات خود، مزدوران رژیم در پیبرد اهداف سرکوبگرانه و ارتجاعیان به عقبی نشاندند بلکه با شناخت از ماهیت ضد انقلابی رژیم و درسی آموزی از تجارب ارزشمندی که بطور روزمره بدان دست می‌یابند، کلیه سیاستهای عوام‌فرسبانه مزدوران را نیز نقش بر آب می‌سازند.

رژیم جمهوری اسلامی علیرغم آنکه با پورشهای سبانه مزدوران پامدار، ارتجاعی، جان و بسجی خود، توانسته است مناطق آزاد شده را از دست پیغمبران قهرمان خلق کرد خارج سازد اما یک لحظه از تعرضات انقلابی پیغمبران خلق کرد در امان نبوده است. رژیم با درک این واقعیت که نیروی پیشرو تنها و تنها با اتکال به حمایت‌های مادی و معنوی توده‌ها و در پرتو رشد و گسترش مبارزات زحمتکشان کردستان می‌تواند به رزم دلیرانه خود مداومت بخورد، کلیه سیاستهای ارتجاعی را برای گسست این پیوند به کار می‌گیرد. سیاست به توب و خمپاره بستن شهرها و روستاها، تبلیغ اجباری دستگیری و شکنجه زحمتکشان مبارزگیری اجباری، اخذ بی وفارت اموال توده‌ها و تخریب و تسخلیه روستاها، همه و همه در خدمت یک هدف ارتجاعی قرار دارد، که همانا در هم شکنستن روحیه اعتراضی توده‌ها و جلوگیری

از حمایت وسیع آنها از پیغمبران قهرمان خود می‌باشد.

اما این سیاستهای ارتجاعی نه تنها کمترین خللی در اراده خلق قهرمان کرد ایجاد نکرده بلکه روز به روز منجر به تعمیق مبارزات توده‌ها و ایجاد وحدت و یکپارچگی بیشتری در صفوف آنها گشته است. نشانه‌های این وحدت و یکپارچگی در حرکات اعتراضی زحمتکشان مناطق پاره‌سویان دیوانسدره، سنندج و سقز طی دیماه گذشته بیش از پیش عینیت یافت.

نمونه‌ای از این اعتراضات دسته جمعی، مقابله بخر و سهمی از اهالی زحمتکش روستاهای سریدان علیه مزدوران جنایتکار رژیم در چهارم دیماه می‌باشد، که قدرت و شکر اتحاد و یکپارچگی زحمتکشان این منطقه را به نمایش گذاشت.

اهالی زحمتکش روستای "دویلوره" در تاریخ چهارم دیماه به دنبال خمپاره باران این روستا توسط مزدوران رژیم دست به اعتراض می‌زنند. فردای آن روز اهالی زحمتکش روستای "دویلوره" متحد و یکپارچه بصوی روستای "چناره" که یکی از مراکز مهم نظامی رژیم در آن واقع است راهپیمایی کرده و خشم و اعتراض خود را نسبت به سیاستهای جنایتکارانه رژیم نشان می‌دهند. آنها روز ششم دیماه نیز به حرکت اعتراضی آمیخته خود ادامه می‌دهند. خیر حرکت اعتراضی این زحمتکشان در تمام منطقه

می‌پیچد، و همبستگی و حمایت کلیه زحمتکشان این منطقه را بر می‌انگیزد. بسیاری از اهالی روستاهای "تایمله"، "گماره لنگ"، "کویله"، "وشکه لان"، "کلی کران" و همچنین عده‌ای از اهالی شهر سریدان به پشتیبانی از حرکت اعتراضی اهالی زحمتکش روستای "دویلوره" علیه توب و خمپاره باران روستاها برخاسته و خود را به روستای "چناره" می‌رسانند.

شیرکت دسته جمعی توده‌های زحمتکش منطقه سریدان در این حرکت اعتراضی، بار دیگر عظمت و قدرت متحد توده‌ها و ضعف و زبونی رژیم را در برابر آن به نمایش گذاشت.

نمونه‌های پیش‌ساری از این حرکات انقلابی ضمن بیان گسترش و تداوم مبارزات اعتراضی توده‌ها، در همین حال بیانگر واقعیت دیگری نیز می‌باشد: ختم خود بخودی، پراکندگی و عدم سازمان یافتگی این حرکات نقطه ضعفی است که بدون شناخت و برطرف ساختن این نقطه ضعف نمی‌توان به پیروزیهای محشر و همه جانبه تری دست یافت.

تنها با سازماندهی این حرکات اعتراضی، هدایت آگاهانه و رهبری انقلابی مبارزات توده‌ای است که تمامی پتانسیل انقلابی زحمتکشان در راستای دست‌یابی به اهداف انقلابی خلق کرد، که همانا سرنگونی رژیم جمهوری اسلامی و کسب حق تعیین سرنوشت خویش است، به کار گرفته می‌شود.



اسلامی انتخاب کنند و بقیه بعنوان اعضا علی البدل باقی بمانند. روستائیان در مقابل این خواست مزدوران مقاومت نموده و دست به اعتراض زده‌اند و مخالفت خود را با اینگونه شوراها اعلام داشته‌اند اما مزدوران، اهالی را تهدید کرده‌اند چنانچه شوراهای اسلامی را تشکیل ندهند، از دریافت مواد غذایی محروم خواهند شد. در همین رابطه چه بسا افراد مورد اعتمادی که از جانب روستائیان انتخاب شده‌اند، مورد قبول مزدوران قرار نگرفته‌اند و یا کسبان دیگری که به تمایلات و خواسته‌های مزدوران گردن نهاده

از صفحه ۲۱

کلیه اعضای جدید رژیم... چند نفر را بعنوان نماینده انتخاب کرده و به شهر سر می‌فرستادند. این افراد به تدریج به عنوان شورا شناخته شدند، و البته در میان مردم به شورای کوپنی و یا شورای قد و یرنج موسوم شدند. مزدوران رژیم برای اعمال سرکوب و کنترل بیشتر بر روستائیان اخیراً از هر روستا خواسته‌اند تا ده‌الی دوازده نفر را بعنوان نماینده صرفی کنند تا خودشان یعنی خود مزدوران پنج تا هفت نفر از بین آنها به عنوان اعضا اصلی شورای

اسلامی در منطقه سریدان، تحکیم و گسترش آنها و استفاده از این ارگان‌های جاسوسی برای تثبیت موقعیت سرکوبگران و حاکمیت ارتجاع در منطقه نیز، در راستای همین اهداف ارتجاعی عمومی رژیم در کردستان بوده است.

مزدوران برای تشکیل شوراهای اسلامی در این منطقه، اوائل سال ۶۳ نیز تلاش‌های زیادی بکار بردند و در ابتدا از طریق کوبن‌های مواد غذایی در پی جنبش هدفی برآمدند. اهالی روستاها برای دریافت کوپن و سهمیه مواد غذایی اجباراً



اطلاعیه سازمان چریکهای فدایی خلق ایران درباره :

دستگیری تعدادی از اعضاء،

فعالین و هواداران سازمان

کارگران و زحمتکشان سراسر ایران !

رویم ارتجاعی جمهوری اسلامی بار دیگر تعدادی از کارگران آگاه، مبارز و انقلابی وابسته به سازمان چریکهای فدایی خلق ایران و تعدادی دیگر از فعالین و هواداران سازمان را در تهران به اتهام دفاع از ضلایع کارگران و زحمتکشان ایران بازداشت و در معرض وحشیانه ترین شکنجه های قرون وسطایی قرار داده است.

وزیر مزدور سازمان جاسوسی رژیم در تاریخ یازدهم دیماه مدتی پیر از این دستگیری ها طی یک صراحتیه مطبوعاتی ضمن اعلام خبر دستگیری ۶۰ تن از اعضاء و هواداران سازمان به منظور سرکشی کردن بر جنایات رژیم و شکنجه های وحشیانه ای که نسبت به دستگیر شدگان اعمال می شود، اعلام نمود که یکی از دستگیر شدگان با قرض سیانور خودکشی کرده است. او بدین طریق تلاش نمود با توجه به اینکه رفقای ما به هنگام دستگیری از قرض سیانور استفاده می کنند، این حقیقت مسلم را که رژیم تاکنون صکر اعضاء و هواداران سازمان چریکهای فدایی خلق ایران را زیر شدیدترین و وحشیانه ترین شکنجه ها به شهادت رسانده است انکار کند. اما امروز دیگر چه کسی را می توان پیدا کرد که از ایما و جنایات و تبهکاری های این رژیم بی اطلاع باشد. رژیم جمهوری اسلامی رسواتر از آن است که بتواند با توسل به چنین حیلۀ هائی بر جنایات نفیستین خود سرکشی بگذارد و شکنجه های وحشیانه و کشتار بیرحمانه نیروهای انقلابی را انکار کند.

درباره یوچ بودن این ادعای سران رژیم همین بس که گفته شود رژیم بخاطر پنهان داشتن جنایات خود تاکنون از تحویل اجساد انقلابیونی که اعلام کرده است طی درگیری های صلحانه و یا از طریق خوردن قرض سیانور به شهادت رسیده اند، به خانواده های آنها خودداری نموده است.

وزیر مزدور سازمان جاسوسی رژیم طی صراحتیه خود ضمن اینکه تلاش نمود بر شکنجه های وحشیانه ای که هم اکنون در صورت دستگیر شدگان اعمال می شود سرکشی بگذارد، در همان حال کوشید با اعلام تعداد همه کسانی که از مدت ها پیش به اتهام وابستگی به سازمان چریکهای فدایی خلق ایران دستگیر شده اند، بهره برداری تبلیغاتی بنماید و رژیم را در مبارزه علیه سازمان پیروز نشان دهد.

اما تجربه چندسال گذشته به رژیم آموخته است که علیرغم اینکه چندین هزار تن از اعضاء و هواداران سازمان را به جوشه های اعدام سپرده و هزاران تن را هم اکنون در میاه جالهای قرون وسطایی خود به بند کشیده است، هیچگاه نتوانسته است نره ای در مبارزه سازمان علیه رژیم حاکم خلقی ایجاد کند و بر روحیه مبارزاتی کارگران و زحمتکشان ایران تاثیر بگذارد.

اگر رژیم قادر می بود کارگران و زحمتکشان ایران را نابود کند، در آن صورت می توانست جلو مبارزه و فعالیت سازمان را نیز سد کند. اما این واقعیت کاملاً روشن است که چنین چیزی امکان پذیر نیست، انگاه ما به نیروی لایزال طبقه کارگر و همه مدافعین مصیبت هستیم که مداوماً به صفوف سازمان چریکهای فدایی خلق ایران می پیوندند و جای رفتائی را که به دست دشمنان جمهوری اسلامی به شهادت می رسند و یا در زندانهای قرون وسطایی به بند کشیده می شوند، پسر می کنند.

این است راز دوام و بقا و تداوم فعالیت و مبارزه سازمان چریکهای فدایی خلق ایران علیرغم تمام تبلیغات و تلاشهای سرکوشگانه رژیم جمهوری اسلامی.

بنابراین رژیم بیپوده می کوشد خود را در مبارزه پیروز نشان دهد. پیروزی از آن کارگران و زحمتکشان ایران است و شکست سونتست محتوم رژیم جمهوری اسلامی و کلیه مترجمین.

کارگران و زحمتکشان سراسر ایران !

صدای اعتراض خود را علیه بیدادگرهای رژیم جمهوری اسلامی، شکنجه و کشتار انقلابیون بلندتر کنید !

مبارزه خود را برای برانداختن این رژیم تبهکار، ارتجاعی و فاسد تشدید کنید و اجازه ندهید رژیم باز هم به جنایات خود ادامه دهد.

سرتکون باد رژیم جمهوری اسلامی - برقرار باد جمهوری دمکراتیک خلق
زندۀ باد موصیالیسم

سازمان چریکهای فدایی خلق ایران
سوزد هم دیماه یکهزار و سیصد و شصت و چهار

از صفحه ۱

حزب دمکرات

گذشته مطوح بوده است در طول یک سال گذشته حزب دمکرات نه تنها در عرصه برخورد به امر درگیرها، با امتناع از پذیرش آتش بس فیمابین پیشمرگان دوتیرو از طریق اعلام یک سری شرط و شروط ضد دمکراتیک طرفه رقت است، بلکه با کمتر حوزة عملکرد این سیاست ها، به محدود و فعالیت دیگر نیروهای سیاسی و اقدام در جهت اعمال این سیاستها، عملا وضعیت ناخوشی از درگیرها در کردستان را نیز تشدید نموده است، و در هر چه بحرانی تر کردن اوضاع کنونی جنفتر انقلابی خلق کرد، نقش بازی ایفا نموده است. کنگره حزب دمکرات نیز بر سر روی آخرین صواغ حزب دمکرات و در زمینه درگیرها، یعنی موضوع سر راه حزب دمکرات، تاکید نموده است.

تظاناه کنگره هفتم حزب دمکرات در مورد درگیرهای حزب و کومه له اعلام داشته است که:

کنگره سیاستهای آشوبگرانه

رهبان سر در کومه له را دلیل اساسی جنگ میان کومه له و حزب می داند و صواغ رهبری حزب در مقابل کومه له را کاملاً تأیید می نماید. و

از رهبری برگزیده کنگره هفتم نیز می خواهد برای تحقق اصولی که به منظور دستیابی به یک صلح پایدار میان کومه له و حزب پیشنهاد شده است تلاش نماید و تا زمانیکه

کومه له واقمیت های کردستان را نپذیرفته است، به شدت با آشوبگرهای این سازمان مقابله نماید.

(تاکیدها از طاعت)

این طاره از تظاناه در حقیقت چکیده ای از نقطه نظرات حزب دمکرات در باره درگیرهای حاضر و آرا که راه حل برای آن را، در بر دارد، و می توان آن را با توجه به سوابق امر چنین توضیح داد که تنها علت جنگ میان کومه له و حزب دمکرات، سیاستهای آشوب

گرانه رهبان کومه له است همان چیزی که بعد از درگیری در م او اطانات رهبان حزب دمکرات بر آن تاکید داشته اند، و بر این اساس نیز سه شرط اولیه خود را تنظیم کرده اند. ما در اینجا عین سه شرط اولیه حزب دمکرات را می آوریم که حزب دمکرات قبول آتش بس را شرط به پذیرش این سه شرط از سوی کومه له اعلام می دامت:

اولاً "کومه له وصماً اسلام نماید که حزب دمکرات را به عنوان نیروی سیاسی اصل و انقلابی می شناسد."

ثانیاً "در مقابل همه سازمانهای شرقی موجود در کردستان ضمه شود که قاجمه ششم بهمین را تکرار خواهد نمود."

ثالثاً "این واقمیت را نیز بپذیرد که کومه له در کردستان نماینده اقلیتی قاجز است و اگر واقعا طرفدار دمکراسی است باید از آراده اکثریت تبعیت نماید."

(کردستان شماره ۱۰۳ صفحه ۵۰ تاکیدها از طاعت)

مفهوم این سه شرط در واقع چنین بود که: اولاً "کومه له تحلیل خود را از حزب دمکرات پس گرفته، اعلام نماید که حزب دمکرات یک نیروی اصلی و انقلابی است و لذا کومه له اقرار کند که در کوم از ماهیت طبقاتی حزب دمکرات غلط بوده و سیاستهای آنرا نیز به غلط ارزیابی نموده است، این امر جدا از این که کومه له چه اعتقادی دارد، عملاً یعنی هرگونه آزادی بیان، عقیده و آراء است."

ثانیاً "پذیرش این مسئله که مصدر اصلی درگیرها خود کومه له است، و کومه له با این "متعهد" شدن برای عدم تکرار چنین کارهایی در مقابل همه سازمانهای شرقی رسماً بپذیرد که حزب دمکرات در این زمینه و در شمسلسله و در شمسین مجدد درگیرها صرا از هرگونه نصیری بوده، نه تنها مقرون بوده، صورت ظلم هم واقع شده است."

ثالثاً "اقلیت بودن خود را بپذیرد و تابع اکثریت باشد، یعنی تبعیت از حزب دمکرات را بعنوان واقمیت قبول کرده، انعام نماید که او خود

۳قلیتی ناچیز است که هیچ راهی به جز تابعیت از اکثریت (یعنی حزب دمکرات) ندارد."

حزب دمکرات با طرح این سه شرط، از یک سو تلاش نموده از هر گونه ریشه یابی درگیرها و بازشناسی علل آنها طفره رفته، با قیافه حق به جانبی در صحنه ظاهر شده، و از موضع قیادت از کومه له بخواهد که نیز آنچه را که حزب دمکرات دیده می کند، اصفا نماید، نه تنها حزب دمکرات را ۳نقلابی اصل بدانند بلکه از این انقلابی سیاسی تبعیت نیز بنمایند. در غیر اینصورت هیچ گونه مذاکره ای در کار نخواهد بود. این بود مفهوم دمکراسی ای که حزب دمکرات در اولین طاههای شروع مجدد درگیرها بر آن تاکید داشت و هنوز هم بر آن تاکید دارد، هر چند در تعدیل یافته ترین شکل آن.

ولی واقمیت امر چه بود و چرا قاجمه ششم بهمین ماه پوتیع بیوست، و نقطه عطف اصلی کجا بود و سهم حزب دمکرات در شعله ه شدن درگیرها و ادامه آنها چه بود؟ آیا حزب دمکرات با ابتکار این واقمیت ها قادر و پسا بهتر است بگوئیم حاضر است به درگیرها خاتمه دهد، اصولاً صورت نظر کنگره حزب دمکرات که "تحقیق آنها بعنوان تنها راه رسیدن به یک صلح پایدار میان دو نیرو قطدار شیره است، اصولاً قابل تحقیق است؟" قطعاً هر کسی بر صیر تاکنونی درگیرها و زمینه های فسی آنها، نظری افکنده باشد، بخوبی می داند که اتحاد چنین سیاستی از سوی حزب دمکرات، چیزی جز تصمیم به ادامه درگیرهای کنونی نبوده و نیست. شرایط سه گانه حزب دمکرات نیز در همان روزهای اعلام آنها از سوی این حزبینه تظاناه از نقطه نظر اصولی و بدلیل کاملاً ضد دمکراتیک بودن آنها، بلکه از نظر واقمیت عقل و عواطف حاکم بر درگیرها نیز نمی توانست مورد پذیرش واقع شود. چرا که نقطه عطف واقعی در درگیرهای حزب دمکرات و کومه له، نه ششم بهمین و اقدام آناشیتی کومه له خود تابعی از برخورد نظی حزب دمکرات بوده، بلکه در جای دیگری نهفته بود و حزب دمکرات با تاکید بر این واقعه، قبل از همه قصد آن داشت و دارد که بر سر حوادث ط قبل آن برده سانسر افکنده، نقش تعیین کننده خود در

ایجاد این درگیریها را پهنی شده نگهدارد.

در واقع امر حزب دمکرات، با طرح واقعه ششم بهمن ماه بعنوان يك نقطه عطف، در صدر لایوشانی نمودن نقش خود در امر درگیریها بود، که امکان این کار را پیش از همه مطالبه آتاریستی کوه له با حزب دمکرات فراهم نموده بود. وگرنه بر هیچ کس پوشیده نیست که حزب دمکرات خیلی پیشتر از آن و در یلغوم تابستان کشته مرکزی خود، کوصله را به درگیری صراسری تهدید کرده بود (کردستان ۹۹) و در برخورد به مسائل مربوط به درگیری ۲۵ آبانماه اورامان نیز با اجتناب از هر گونه برخورد مسئولانه، به گمان واقفیت های دهشتناک این درگیری پرداخته، تلاش می نمود و هنوز هم مینماید عطا جتایات انجام شده در این درگیریها را توجیه نماید، و یا در بهترین حالت سکوت بگذارد. این آن واقفیتی است که حزب دمکرات تاکنون از پذیرفتن آن استنقا و رزیده است، از اقرار به نقش تشکیلات اورامان خود در جتایات انجام شده طفره رفته است و امروز در پیوشن سیاستهای آتوبکرانه زهران بر درکم کوه له و اعلام این سیاستها بعنوان "دلیل اساسی جنگ میان کوصله له و حزب از پذیرش آن طفره میروند. طبیعی است که از چنین نقطه عنقی نمیتوان هیچگاه به "بک صلح پایدار دست یافت.

حزب دمکرات اگر چه امروز از طرح مسئله "نقطه عطف ششم بهمن دست برداشته است، ولی با تاکید بک جانب او بر سیاستهای رهبران کوه له بعنوان "دلیل اساسی جنگ کنونی میان دونیرو، در واقع امر هنوز هم در صدر آن است که نقش خود در ایجاد درگیریها و صبرتر از همه در ادامه تاکنونی آنها را پوشیده نگه داشته، از پذیرش واقفیت در این زمینه، سوز باز زنده درین حال بر اصلی ترین شرط خود که همانا دست بستن کوه له از مواضع خود در مورد حزب دمکرات و "انقلابی" (البته بدون اصل) دانستن حزب دمکرات است، تاکنید نماید. این موضع ضد دمکراتیک و این خواست "ناچیز" حزب دمکرات که گویا به زور اسلحه و تحصیل هرچه بیشتر درگیریهای حاضر به جنبش انقلابی خلق کرد، قرار

حزب دمکرات: . . .

است "تحقیق" پذیرد، درقیقا" منطبق بر همان نقطه منیمت حزب دمکرات در برخورد به درگیریهای کنونی، و گمان نقش و جایگاه خود در این درگیریها و ادامه آنهاست. هرچند امروز بعد از يك سال و چند ماه، حزب دمکرات از یکی از شروط اولیه خود یعنی تابعیت کوه له از "اکثريت" یعنی حزب دمکرات و گردن نهادن به رهبری آن، دست شسته باشد، صلا" این آخرین موضعگیری حزب دمکرات در قبال درگیریها، آشکاری سازد که او هنوز هم، مصم به ادامه درگیریهاست. و از هرگونه برخورد اصولی برای حل آنها طفره می رود. لازمه پایان یافتن این درگیریها و دستیابی به بک صلح پایدار "قطعا" قبل از همه پذیرش بدون قید و شرط آنشریس فوری فیما بین پیشمرگان دو نیرو، ازمان به واقفیت نقش هر نیرو، و آغاز مذاکره برای حل مسائل فیما بین در چارچوب اصول دمکراتیک ناظر بر جنبش کنونی است. واقفیت این است که در شرایط کنونی جنبش، تنها راه پیشبرد اختلافات فیما بین نیروهای سیاسی، برخورد سیاسی بین آنهاست، نه توسل به اسلحه و جنگ و گشتار روز افزون فرزندان خلق کرد، که در هر جنبه ای، امروز برای کسب حق تعیین سرنوشت خلق خود و برای سرنوشتی رژیم جمهوری اسلامی، صلاح بر دست گرفته اند. امری که کنگره هقم حزب دمکرات از پرداختن به آن طفره رفته است، و بر سیاست های معمول حزب دمکرات و در نتیجه تداوم درگیریهای کنونی، مهر تأیید زده است.

صالح دیگری که در کنگره هقم حزب دمکرات به آن پرداخته شده است، سیاست های حزب دمکرات در قبال دیگر نیروهای سیاسی است که مورد تأیید کنگره قرار گرفته است. در قطعنامه پایانی کنگره در مورد این سیاستها گفته می شود، کنگره موضعگیری مسئولانه کشته مرکزی حزب در مقابله سازمانهای سیاسی ایران را

کاملا" درست می داند

(قطعنامه کنگره . . . تاکید از ما)
صلا" هر کسی سیاستهای حزب دمکرات آشنایی داشته باشد، از خود سوال خواهد کرد کدام موضعگیری مسئولانه را، کنگره این حزب کاملا" درست می داند.

اچ این موضعگیری مسئولانه حزب دمکرات در مقابل نیروهای سیاسی، در همان ماههای نخست درگیری صراسری حزب دمکرات و کوه له، خود را آشکار ساخت. ما برای روشن ساختن رمز مسئولانه بودن این سیاستها، بناگذازم باید مروری بر این سیاستها بکنیم تا ببینیم حزب دمکرات چه چیزی را کاملا" درست می داند.

حزب دمکرات بعد از شروع صدر درگیریها، نخست طسی اطلاعاتی ای منطقه بانه را بعنوان منطقه نظامی اعلام کرد و از گپ نیروهای سیاسی خواستار آن شد که برای ورود به این منطقه، قبل از حزب دمکرات اجازه بگیرند. البته تحت پوشش اطلاع دادن به دفتر سیاسی، و اما حزب دمکرات در مقابل محکوم بودن برخورد خود با صاله آزادی فعالیت سیاسی نظامی در کردستان، از مسوی نیروهای انقلابی، در این حد توقف نمود و این خواست اولیه خود را به صاله موضعگیری در قبال سیاستهای خود پیوسته زد و با نیروهایی که مخالف سیاستهای جنگ افروزانه حزب دمکرات در مقابل آتش بی فوری و بدون قید و شرط بودند، آغاز خصومت نمود. وطنی نامه ای به سازمانهای سیاسی از آنها خواست که برای فعالیت نه تنها در بانه بلکه در صراسر کردستان با دفتر سیاسی حزب دمکرات وارد مذاکره شوند. حزب دمکرات بدنیصال این نامه، طی بک گفتار را بدو به تفسیر آن پرداخت و در این گفتار نیروهای سیاسی را به دست تقسیم کرد. دسته اول شامل کوصله می شد که سیاست حزب دمکرات در قبال آن روشن بود. دسته دوم رانیه های تشکیل می دادند که رهبری ادعایی حزب دمکرات بر جنبش را قبول داشته، به سیاستهای این حزب تکین می ناپند و "دست" و "هنگار" حزب دمکرات قطعاً می شدند. اما دسته سوم را به نظر حزب دمکرات آن نیروهای تشکیل

حزب دمکرات: . . .

می دادند که . . .
بظاهر مانند کوه له خود را
دشمن حزب دمکرات معرفی
نمی کنند لیکن خود را دوست و
همکار حزب نیز نمی دانند و
می گویند ما به اجازه حزب
دمکرات یا هیچ کس دیگر به
فعالیت دست نزده ایم و از گرفتن
اجازه نامه از دفتر سیاسی حزب
برای فعالیت در کردستان سر
باز می زنند و رهبری حزب
دمکرات را به رسمیت نمی شناسند.

مسئولین حزب دمکرات در مناطق
مختلف در برخورد با این نیروها
طبق رهنمود رهبری خود
در همان حال که به هیچ
وجه از فعالیت آنها غیر از
سوادری که آشکارا و با دلیل
روشن به زبان جنبر تشخیص
داده شود، جلوگیری نمی نمایند،
هیچ کس هم به آنها نمی کنند.

مفهوم این بخش از گفتار حزب
دمکرات این بود که هر دسته از
پیامبران حزب دمکرات بنابه
تشخیص خود می تواند از فعالیت
اینگونه نیروها به بهانه فعالیت
به زبان جنبر (یعنی حزب
دمکرات) جلوگیری نماید، خلق
صلاح کند، مورد تهدید قرار
دهد و کنگدن بزند و درها
نوع از این برخوردها، که دراصل
نیز حزب دمکرات در مورد نیروهای
انقلابی به آنها ضمیمه عدالت،
اما حزب دمکرات در این بخش از
موضعگیری مسئولان خود
به همین حد پهنیده اکتفا نکرده و
راه اعمال این تشخیص را نیز
پیشای مسئولین خود گذاشت و
اعلام داشت که:

این گروه از سازمانها باید
این واقعیت را بپذیرند که
کردستان میدان بی صاحبی
نیست هیچ کس و
هیچ سازمانی نمی تواند و این
اجازه را ندارد که بر خلاف میل
و اجازه مردم کردستان در آن
طاسور بدهد و چون حزب

دمکرات بزرگترین و چشمگیرترین

نماینده مردم کردستان و جنبر
خلق کرد است . . . این
گروهها اگر به نظر این حزب هیچ
ارزشی قائل نیستند بهتر است

نظری دیگری را برای ادامه مبارزه

و فعالیتشان انتخاب کنند. این

عین دمکراسی است و گرنه

مسئولین حزب دمکرات حقی

دارند نسبت به آنها مشکوک شده

و مانند پامدار و عاقل رژیم

به آنها بنگرند و امکان هرگونه

عمل زیان آور احتمالی را . . .

از آنها صلب نمایند. . .

(همه نقل قول ها از گفتار رهبری
حزب دمکرات، تاکید ها از ما)

این بود ضمن آن موضع

گیری های مسئولان آنی که

کنگره حزب دمکرات آنها را

کاملاً درست ارزیابی کرده است،

و بر عاقل حزب دمکرات در

مقابل نیروهای انقلابی همچون

تهدید و ضرب و شتم و خلق سلاح

آنها، صحنه گذاشته است. درحقیقت

این ارزیابی کاملاً درست

امروز حزب دمکرات منطبق بر

همان عین دمکراسی رژیم

است که طبق آن با نیروهای انقلابی

در کردستان می باید عین پامدار

و عاقل رژیم برخورد شود.

ادامه همین بند قطعنامه

کنگره هضم حزب دمکرات، علاوه بر

تأیید سیاست های حزب دمکرات

در برخورد به نیروهای سیاسی،

شامل رهنمود و تکلیف شخصی

به رهبری جدید نیز هست صحنی

بر این که:

کنگره . . . در همان حال

رهبری جدید حزب راموکلف

می نماید که به منظور تحکیم

هرچه بیشتر روابط دوستانه و

گسترش همکاری، با نیروهای

میمن پرست به سامی خود

ادامه دهد. . .

(تاکید ها از ما)

نیروهای انقلابی، مثل پامدار
و عاقل رژیم برخورد نمودند
است. این نیروها شامل چه
کیانسی می توانند باشند که تنها
وجه مشخصه آنها، میمن پرست
بودن است؟ رهبری حزب دمکرات
کدام صاصی و در تحکیم
هرچه بیشتر روابط دوستانه
و گسترش همکاری با کدام
نیروها را موکلف است
ادامه دهد؟

اگر در مورد صاصی حزب
دمکرات و امثالهم در گسترش
همکاری با نیروهای میمن
پرست ی از قبیل نوبه و مدنی،
قبلاً و در گرامکرم دعوای درونی
شورا ی ملی مقاومت و جدائی
حزب دمکرات از مجاهدین اسم
برده شده بود، که گویا حزب دمکرات
و مجاهدین بر سر چگونگی ائتلاف
با اینگونه نیروهای میمن پرست
اختلافاتی داشته اند (ما در اینجا
به علت دلایل اختلاف حزب
دمکرات و مجاهدین فعلاً کاری
نداریم) ولی آخرین صراحبه
دبیرکل حزب دمکرات با جمله
"الیوم الصابع" در این زمینه
و در معرفی این گونه نیروهای
میمن پرست تا حد زیادی گویاست.

او نخست مطرح می سازد که:
هنگام آن رسیده است که
اپوزیسیون ایران ضد کرد و
در یک چارچوب وسیع تر و
ضطقی تر از سابق گرد آید . . .

(کردستان ۱۰۹ صفحه ۱۲)

تاکید ها از ما)
و در ادامه همین صراحبه در پاسخ
این سوال که:

" آیا این نظر شما شایع بختیار
نخست وزیر اسبق را مستثنی میکند؟
جواب می دهد که:

" این به خود او مربوط
می گردد، اگر علناً از سلطنت

طلبان فاصله بگیرد، ممکن است
با وی همکاری کرد.

(همانجا تاکید از ما)

یک نمونه از این نیروها
شاپور بختیار است به شرطی که

از سلطنت طلبان

فاصله بگیرد. چون ساله بسیار

روشن است. هر کسی که - حتی
بختیار - علناً از سلطنت طلبان

فاصله بگیرد، جزو نیروهایی است
که در چهار چوب وسیع تر

خطقی تر از سابق (لا بد این
سابق اشاره به همان

حزب دمکرات: . . .

اتحاد سابق حزب دمکرات با مجاهدین خلق است (حزب دمکرات جاسی گهرد و الزاماً جزو نیروهای "مهم پوست" مورد نظر قلمنااه کنگره حزب دمکرات نیز هست .

البته حزب دمکرات یکبار دیگر و قبلاً نیز بعد از جدائی از شورای ملی مقاومت مجاهدین، طی اطلاعیه ای پیرامون این گونه همکاری ها صحبت کرده بود و اعلام داشته بود که :

" دفتر سیاسی حزب دمکرات کردستان ایران آگاهی حزب را برای همکاری های دمکراتیک و اصولی با همه احزاب و سازمانها و شخصیت های دمکرات و ترقیخواه ایران . . . که بر ضرورت مبارزه جدی و مسلحی در راه سرنگونی رژیم ضد مردمی جمهوری اسلامی و پر موکارت آوردن یک رژیم دمکراتیک اضعاف دارند ، اعلام می دارد، به این امید که آینده ای نزدیک شاهد بوجود آمدن یک تشکل وسیع سیاسی از نیروهای دمکرات و منتقل و جمهوریخواه ایران باشیم ."

(کوردستان ۱۰۴ صفحه ۲۴، تاکید ها از ما)

باز نیاورد از نظر دور داشت که در همان تاریخ انتشار این اطلاعیه (یعنی ، اردیبهشت ۱۳۶۴)، حزب دمکرات در واقع با کلیه نیروهای انقلابی در کوردستان بر سر اصول "دمکراتیک" و نقض آنها از سوی این حزب سخت درگیر بود ، و سیاست تهدید نیروهای سیاسی را در پیش گرفته بود . طبیعتاً نیروهای مورد نظر او برای " همکاری های دمکراتیک و اصولی " نمی توانست این قبیل نیروهای انقلابی باشد ، چرا که دمکراسی و " اصول" مورد نظر حزب دمکرات در تعارض آشکار با دمکراسی و اصول مورد نظر آنها قرار داشت . اما یک نکته در همان فراخوان اطلاعیه حزب دمکرات که با صاحب دبیرکل این حزب مطابقت کامل دارد ، روشن می سازد که محتوای این " رژیم دمکراتیک " حزب دمکرات در آن روز چه می توانست

رهبری حزب می خواهد در این راه پیش قدم گردد و کوشش های لازم را بعمل آورد . . . (تاکید ها از ما)

حال این جنبه دمکراتیک ضد امپریالیستی " حزب دمکرات چه ربط مشخصی با آن چارچوب منطقی تر و وسیع تر از سابق دارد ، که تشکیل آن یک ضرورت تاریخی است و بایست سازمانهای شرقی ایران " به تشکیل آن هست گمارند ؟ همان سازمان هایی که حزب دمکرات امروز با اکثریت آنها بر سر ابتدائی ترین اصول حاکم بر جنبش انقلابی خلق کرد خصوصت می ورزد ، یا سازمانها و شخصیت هایی از قشر بختیار ضمای سلطنت طلبی که امثال او چه ربطی به " جنبه دمکراتیک ضد امپریالیستی " دارند ؟ و حزب دمکرات با سیاستهای کنونی خود برای چه هدفی و انجام چه کاری می خواهد " پیشقدم " باشد ؟ برناه چنین جنبه ای چیست ؟

دبیرکل حزب دمکرات طی آخرین صاحبه خود قبل از همین کنگره برناه چنین جنبه ای را اعلام داشته است . او می گوید :

" باید شمار اساسی طایفه دمکراسی برای ایران بخود مختاری برای کردستان را بپذیرد که این خود قدمی است در جهت طرح اپوزیسیون سلطنت طلب ."

(کوردستان ۱۰۹ صفحه ۳)
تاکیدها از ما)

به زعم حزب دمکرات تنها پذیرش شمار اساسی او از سوی یک تشکل وسیع تر " هم تضمین کننده دمکراتیک بودن چنین جنبه ای است و هم ایمن بدینتر در عمل " قدمی در جهت طرح اپوزیسیون سلطنت طلب است و لابد نشانه ای از " سیاست امپریالیست بودن آن "

اگر دمکراسی مورد نظر حزب دمکرات در شمار اساسی خود ، " عین دمکراسی " در عمل او در کوردستان باشد ، که جز این نمی تواند باشد و نیست ، طبیعی است که حزب دمکرات بدنیال نیروهایی مثل بختیار و

باشد و " نیروهای دمکرات و منتقل و جمهوریخواه " می که باید به " امید " حزب دمکرات به ایجاد یک " تشکل وسیع " جاه عمل بیوشانند ، از چه قضای می تواند باشد . همانطور که دیدیم دبیرکل حزب دمکرات ، گوشه ای از این " تشکل وسیع " که نه ، جنسی " وسیع تر " و در عین حال " منطقی تر " را اسرفز روشن نموده است . و در این زمینه یک نمونه از آن نیروهای دمکرات و منتقل و جمهوریخواه " راحرفی کرده است . بختیار ضمای سلطنت طلبی اثر صاوی است با هم دمکرات و هم مد البته منتقل و هم جمهوریخواه (دموت نفسی عینی سلطنت ، گش سلطنت طلب ها به شکل حکومت سلطنتی شیفته اند و سلطنت طلبی آنها فاقد ضمون طبقاتی مشخص است) . در این تشکل وسیع تر و منطقی تر " دیگر جمهوریخواهانی امثال نیمسار میانی و . . . جای خود " دارد که آنها طبیعتاً در همان " تشکل وسیع " نیز جای می گرفتند . این گونه گسترش هرچه بیشتر همکاری با نیروهایی که " وجه مشخصه " اصلی آنها را " مهمن پوست " بودن تشکیل می دهد ، طبیعی است که تمام طیف اپوزیسیون بورژوازی ایران را در بر گیرد و " اراده ماعی رهبری حزب دمکرات نیز در این عرصه ظهور می جز این نخواهد داشت که در جریان این " گسترش " حتماً به بختیار نیز توصیه نماید که علناً " از سلطنت طلبها فاصله بگیرد "

کنگره حزب دمکرات با چنین درکی از " همکاری " با نیروهای سیاسی و بعد از "مغولانسه" ارزیابی نمودن سیاست های حزب دمکرات در قبال نیروهای سیاسی در کردستان ، بر ضرورت تشکیل جنبه نیز تاکید می نماید و می گوید :

" کنگره هضم تشکیل جنبه دمکراتیک " ضد امپریالیستی همان سازمانهای شرقی ایران را یک ضرورت تاریخی می داند و از

رهبری طبقه کارگر

ضامن پیروزی مبارزات ضد امپریالیستی - دمکراتیک خلقهای ایران است

حزب دمکرات: ...

امثالهم بگرد و در آن صورت مفهوم خودمختاری مورد نظر او در انطباق با چنین دمکراسی ایگاملا روشن است که چه چیزی جز ادامه وضعیت موجود یا یک سوسیالیستی تغییرات محدود در اوضاع کوچک اضیارات ناچیزی برای حزب دمکرات و امثالهم، در محدود طسی در کردستان، می تواند باشد.

دک محدود حزب دمکرات از دمکراسی و خودمختاری و اهدافی چهاره کمونی خلق کرد، او را چه در عمل و چه در نظر به سوسی فد دمکراسی هدایت می کند، وگرنه مفهوم دمکراسی امروز دیگر روشن است که چیست و خودمختاری در کریمستان به چه مفهوم می است. آن دمکراسی ای که بتواند حق تعیین سرنوشت خلق کرد را همراه داشته باشد، مسلما باید شکسی بر اراده بوده هائی باشد که با درهم شکنن ماشین بوروکراتیک - نظامی حاکم می تواند عرصه عمل پیدا کند، نه تحول آن به یک دارودسته چهارلگر دیگر از قبیل نیروهای مین پرستی همچون پختیار و یا نظایرتازه آراه رسیده آن بدون چنین نوعی از دمکراسی در ایران، کردستان خودمختار و آزاد از ضد ستم طسی و بقایای نظامات پوسیده نیز امکان پذیر نیست و حزب دمکرات بیا درک سوسیالیستی از دمکراسی آینده ایران، نمی تواند درک محدود و بوروکراتیک از خودمختاری نداشته باشد، طبیعی است که همین اهداف محدود خود را بر تحقق این با آن جبهه با آترناتیو به اصطلاح دمکراتیک بگوید، که در واقع فاقد هرگونه ضمن دمکراتیک واقعی است. یک روز در شورای ملی مقاومت مجاهدین تحت پوشش یک برنامه سوسیالیستی و یک دولت به اصطلاح دمکراتیک اسلامی، و روز دیگر در آترناتیو دمکراتیک با چهارچوب وسیع تر و ضیق تر از سابق، حزب دمکرات قیلا در توضیح چنین آترناتیوی نیز نظریاتی داشته است که نگاهی به آن، درک ضمن و هدف "جبهه دمکراتیک-فد" امپریالیستی "امروز حزب

دمکرات را بیشتر میسر خواهد ساخت. حزب دمکرات قیلا گفته است که:

" برای آترناتیو احتمالات گوناگونی وجود دارد، مثلا می توان گفت که آترناتیو آینده ایران یک رژیم دمکراتیک خواهد بود یا یک نظام سلطنتی. بازی توان آرزو نمود که حکومت کارگری یک رژیم دمکراتیک انقلابی یا یک نظام سوسیالیستی یا کمونیستی بر سر کار آید همه این نوع رژیم ها را در نظر بگیرید و بر آن دل خوش دارید."

(کردستان ۵۰ صفحه ۶
 تاکید از ما)

بدیهی است همچنان که حزب دمکرات در عبارات بالا بیان داشته است به نظر او رژیم آینده ایران یا یک رژیم دمکراتیک خواهد بود، یا یک رژیم سلطنتی، و بستریه رژیم هائی که حزب دمکرات پشت پرده ردیف نموده است فقط "آرزو" هائی هستند که او به آنها دل خوش نکرده است از جمله یک آترناتیو دمکراتیک و انقلابی که با تأشیری تمام در بین نظام سوسیالیستی و کمونیستی ... جا داده شده است تا با مقدور کردن ضرورت های جنبش کمونی و اهداف نهائی پروتاریا، به اینگونه اهدافی جلوه غیر واقعی در پوشش "آرزو" داده شود.

حزب دمکرات بلافاصله بعد از بر شمردن آترناتیوها مسریحا نظر خود را و خواست خود را اعلام می دارد.
 "حزب دمکرات ... خواستار یک بدیل دمکراتیک است... (همانجا صفحه ۸)

به نظر حزب دمکرات تنها آترناتیوی که در مقابل آترناتیو دمکراتیک او وجود دارد، آترناتیو سلطنتی طلب ها و خطر روی گار آدن آنهاست، بنا بر این بقول حزب دمکرات:

" این خطر کاملا جدی است،

هیچ بعید نیست سلطنت طلبان و نوکران رنگارنگ امپریالیسم از فرصت سوء استفاده نمایند"

(همانجا صفحه ۲۱
 تاکید از ما)

پس طبیعی است که وظیفه جدی جبهه دمکراتیک - فدا امپریالیستی حزب دمکرات هم صرفا "مقابله با

چنین "خطر جدی" ای باشد و در صدد جمع و جور کردن هر نیروی ایوزیسیمون ضد سلطنت باشد

و نه تنها نظرا، بلکه عملا هم در مقابل کسانی که اهل "آرزو" هستند بایستد، و با آنها خصوصت ورزد، سرز میان انقلاب و ضد انقلاب را در هم بپزند، از شورای ملی مقاومت مجاهدین که در صدد کسب جانشینی همه آترناتیوهای بورژوازی از جمله سلطنت طلبان

در میان محافل امپریالیستی است، پارا فراتر نهد، تمامی ایوزیسیمون بورژوازی را به چارچوبی وسیع تر "فرا بخواند و تنها وجه مشخصه آنرا در مقایسه با سلطنت طلبان جمهوریخواه بودن آن قرار دهد. و تمامی "معانی خود را به کار گیرد که هرچشمه صنعتی مین پرست بودن هست نیز برچشم "شعار اساسی خود گرد آورد.

بازهم طبیعی است که یک سر جبهه حزب دمکرات رانبروهای ضد انقلابی و خائنی همچون توده ای ها و اکثریتی ها تشکیل دهند، که شرط پذیرش حزب دمکرات مدتها قبل برای آنها اعلام شده است، که اگر آنها از گذشته خود انتقاد کنند و شعار سرنگونی رژیم را بدهند (کردستان ۹۹) که امروز می دهند می توانند، از قبض ورود به جبهه مورد نظر حزب دمکرات برخوردار شوند، و سر دیگر این جبهه را اختیار منهای سلطنت طلبی اثر تشکیل می دهد.

بنا بر این سیاست های صحنه لانه "امروز حزب دمکرات در حال نیروهای سیاسی در کردستان، ارتباط لاینفکی با درک او از اهداف جنبش کمونی و برزندی نیروهای انقلاب و ضدانقلاب دارد.

قطعنامه ککره هفتم حزب دمکرات، در مورد یک وجه دیگر از سیاستهای حزب دمکرات در طول بیش از یک سال گذشته نیز برخوردار نموده است، که آن هم مساله مذاکره با رژیم جمهوری اسلامی در شرایط کمونیستی است. مسلما اتخاذ سیاست مذاکره با رژیم، یعنی از دستور خارج ساختن سرنگونی آن نمی توانست در اعمال سیاستهای حزب دمکراتیک حزب دمکرات بی تاثیر باشد.

هرچند تا کنون حزب دمکرات

حزب دمکرات: . . .

خودمختاری برای بخشی از کمسور

ما، موضوع خاصی است. در

همان حال دمکراسی بر

خودمختاری تأثیر می‌گذارد،

خودمختاری نیز دمکراسی را

تحت تأثیر قرار می‌دهد.

دسترس به آن به این معنی

خواهد بود که ما توانسته ایم در

بخشی از ایران به تعریف

دمکراسی بپردازیم... بعلاوه

چگونه می‌توانیم مثلا به خلق

کرد بگوئیم: رژیم به ما

خودمختاری می‌دهد، [تا کیمنداز

خسود کوردستان] آنچه که

ما می‌خواهیم، لیکن ما آنرا

نمی‌پذیریم. در آن صورت چه

انگیزه‌ای برای جنگیدن خواهیم

داشت.

(کوردستان ۱۰۶ صفحات

۴۱ و ۴۲، تأکید از ما)

مضمون اینگونه اظهارات بخشی

آشکار می‌ساخت که مذاکره برای

حزب دمکرات، چندان هم بیپسوده

نیوده است. حزب دمکرات واقعا

در تصور آن بود که رژیم به او

پیشنهاد خودمختاری کرده است.

تا او در گوشه‌ای از ایران تحت

حاکمیت رژیم ارتجاعی جمهوری

اسلامی، تمرین دمکراسی

بنمایید و از طریق خودمختاری

روی دمکراسی و از طریق

دست یافتن به صاله خاص روی

صاله عام نیز تأثیر بگذارد.

حزب دمکرات که در مبارزه برای

خودمختاری مورد نظر خود نیز

اینقدر ناپیکر است که با طرح

پذیرش آن حتی در حد حرف از

صوی رژیم، انگیزه جنگیدن

را نیز از دست می‌دهد و

دبیر کل آن این واقعیت را با

این بهانه توجیه می‌کند که: ما

چگونه می‌توانیم به خلق کرد

بگوئیم که رژیم خودمختاری

می‌دهد لیکن ما آنرا نمی‌پذیریم،

در واقع سطح جنبش انقلابی

خلق کرد را تا سطح عقب مانده ترین

بخش توده‌ها، برای توجیه سیاست

سازشکارانه خود در قبال رژیم

پائین می‌آورد.

ولسی گذشت زمان و ناکامی

حزب دمکرات در حاشه عمل

پوشاندن به توهمات خود، در این

بارها به "بیپسوده" بودن هرگونه مذاکره‌ای با رژیم تأکید نمودم است. رژیم هیچ گاه کم و کیف این مذاکرات را روشن ساخته یا از قلم آن صحبت ننموده است. این سکوت حزب دمکرات بود که در سر و صداهای مجاهدین برای رادیکال نمائی خود مورد بیشترین بهره‌براری قرار گرفت. هدف مجاهدین در این سرورداها نه مذاکره حزب دمکرات یا رژیم، بلکه صتمک قرار دادن آن برای امتار ورشکستگی شعری ملی مقاومت بود، که در صورت سرایت خود را با خرج بی‌سر و در و "مترمانه" بی‌مجدد اما اراده جنجال بر اندیز آن، آشکار ساخته بود. واقعیت این بود که حزب دمکرات دیگر از امکان موفقیت شورای ملی مقاومت در سرنگونی سریع رژیم خمینی ناامید گشته، تحقق همان اهدافی را که در شورای ملی مقاومت و برنامه آن دنبال می‌نمود، در جای دیگری و در میان جناح‌های داخلی رژیم جستجو می‌کرد. در واقع آنچه که در این میان تغییر یافته بود، نه ماهیت اهدافی که حزب دمکرات در پیوستن به شعور و دنبال می‌کرد، بلکه طعنا و نقطه اتکالی بود که برای حزب دمکرات برآورده نمودن هر چه سریع‌تر این اهداف محدود را، فراهم می‌نمود. به همین دلیل نیز حزب دمکرات با پر بهای دادن به قول و قرارهای طرف مذاکره خود از یک صحنه، و با ناامیدی کامل از شورای ملی مقاومت که از آن بمنوان "تنها اکثریت دمکراتیک" مدنظر متاثر کرده بود و وطنی دو کنگره قبلی خود یعنی کنگره پنجم و ششم، حضور در شعور و تمهد به آنرا به تصویب رسانده بود، از صوی دیگر و عملا با صتمک قرار دادن "ضعف و پراکندگی و بالأخره بی برنامگی این رژیم دمکراتیک" در نتیجه تبدیل آن به علت نیرومندی و تثبیت جمهوری اسلامی (کوردستان ۱۰۵ صفحات ۳) می‌گزید مذاکره با رژیم را صحنه جلوه دهد و امیدهای بی آن بیند. هرچند به کرات بر "بیپسوده" بودن آن تأکید می‌نمود. چنان که دبیر کل این حزب در توضیح این امیدها ملی یک صاحبه طبیعتی با یک خبرنگار خارجی می‌گوید:

"دمکراسی برای ایران یک صاله عام است، لیکن

زمینه کوئی کنگره جزب دمکرات را وادار کرده است تا ملی قطعهنامه پایانی خود یکبار دیگر ظاهر شود. رژیم، تأکید نماید و اعلام دارد که:

"از آنجائیکه در چهارچوب رژیم جمهوری اسلامی هیچ یک از خواست‌های اساسی مردم کوردستان دمکراسی برای ایران و خودمختاری برای کوردستان تحقق پذیر نیست کنگره شعار سونگن باد رژیم جمهوری اسلامی را مجددا" مورد تصویب قرار می‌دهد.

لیکن همین مجددا" قیسه عده در قطعهنامه حاکی از عدم پای بندی حزب دمکرات به این شعار است، که هیچ گاه تاکنون از زبان حزب دمکرات نیفتاده بود. حزب دمکرات قبالا "هیچگاه رسما" به عدول از این شعار که در شرایط کوئی ضمیم خاص خود را دارد، اذعان نکرده بود که امروز مجددا" آنرا تصویب نماید. کما این که بعد از تأکید مجدد دیگری بر این شعار در آخرین پانوم قبل از کنگره هفتم حزب دمکرات، دبیر کل این حزب طی صحابه‌ای علاوه بر روشن نمودن "کانال" این مذاکرات در داخل رژیم، مذاکره با رژیم را هنوز هم چندان "بیپسوده" نمی‌داند. او می‌گوید:

"هائمی رهنجانی، از چند کانال گوناگون سعی کرد با ما تماس بگیرد. لیکن ما اعلام کردیم که گفتگو باید رسمی باشد. حال چه از صی نماینده دولت باشد یا نماینده خود خمینی

(کوردستان ۱۰۹ صفحات ۲۳ و ۲۴، تأکیدها از ما)

از این اظهار نظر رهبری حزب دمکرات فقط می‌توان این نتیجه را گرفت که "تصویب مجدد شعار لفظی نشده" سونگون باد رژیم جمهوری اسلامی، بدلیل "بیپسوده" بودن گفتگو با کانال های خصوصی بوده است، و اگر نه اگر رسما" و از طرف نماینده دولت یا خمینی چنین پیشنهادی صورت بگیرد، حزب دمکرات در آن صورت دیگر انگیزه‌ای برای جنگیدن نخواهد داشت و مجددا" در شعار خود تجدید

حزب دمکرات...

نظر خواهد نمود. تا شاید در بخشی از ایران و نورپرچم حاکمیت جمهوری اسلامی به تعین دمکراسی بپردازد. این است مفهوم تصویب مجدد شعار سرنگون باد رژیم جمهوری اسلامی از سوی کنگره حزب دمکرات.

این درک سطحی از سالسه سرنگونی رژیم، جدا از درک حزب دمکرات از توان نیروی کنونی در جنبش انقلابی ایران، و ارائه الگرناتیو برای آن نیست. درست دنبال کردن همین اهداف محدود و سطحی نگرسی عاقلانه به مسائل نیز هست که حزب دمکرات را امروز به عامل نشت و پراکندگی در جنبش خلق کرد بدل ساخته است.

کنگرسه هفتم حزب دمکرات با صحنه گذاشتن بر سیاست های تا کنونی این حزب در تمامی عرصه ها، و قبل از همه در ادافه درگیریها و ابطال سیاستهای ضد دمکراتیک علیه نیروهای انقلابی در کردستان، علاوه بر تنها نتوانسته است هرگونه پاسخی به مسائل گزافی جنبش کنونی کردستان بدهد، بلکه برعکس با "مشولانه" ارزیابی نمودن سیاستها و موضعیبره های این حزب در قبال نیروهای انقلابی، موجبات انزوای هرچه بیشتر حزب دمکرات در جنبش و دوری آن از نیروهای انقلابی و افتناع از گردن نهادن به الزامات جنبش کنونی را فراهم نموده است.

تاکید مجدد حزب دمکرات بر شعار سرنگون باد رژیم جمهوری اسلامی نیز، تا زمانی که ایمن حزب در عمل به یکی از عوامل نشتت در جنبش کنونی، در نتیجه تضعیف آن تبدیل شده است، به هیچ وجه نمی تواند بیانگر اعتقاد حزب دمکرات به این شعار باشد. درست به همانگونه که این امر خود را در ارائه الگرناتیو برای این رژیم نیز بدرستی آشکار می سازد، و در غیاب نیروهای انقلابی، که امروز دیگر ابعاد "مخمسکریهای مشولانه" حزب دمکرات در قبال آنها بر هیچ کس پوشیده نیست، نیز هست که او دست به دامن نیروهای "مهمین پرستی" می شود که هویت واقعی آنها نه "دمکراتیک" بلکه

همانطور که کارنامه عملی شان نیز نشان داده است، ضد دمکراتیک است.

شعار سرنگونی حزب دمکرات در انطباق با درک اوازمکراسی و قبل از همه به عنوان یک واقعیت عملی در کردستان انقلابی است. حزب دمکرات با درک خاص خود از "دمکراسی" تصویری کند هر الگرناتیو (منهای سلطنت طلبان) جایگزین رژیم جمهوری اسلامی شود، و ادعای "جمهوریخواهی" خالی داشته باشد، دمکراتیک است، فقط کافی است بسوزند اسلامی را نداشته باشد. ولی واقعیت غیر از این است، تنها آن الگرناتیوی دمکراتیک است و حقیقتاً "دمکراتیک" می تواند عمل کند، که بوروکراسی ارتجاعی حاکم، ارتش سرکوبگر و دیگر ارگانهای پلیسی ارتجاعی سرکوب را، نه از دست یک بانده جنایتکار به دست بخش دیگری از همان جنایتکاران و سرکوبگران بپردازد، بلکه برهم شکسته و بر سرانه های آن ارگان های اقتدار نموده ای و دولت ضعیف از این ارگانهای متکسل و صلح را جایگزین سازد. دمکراسی واقعی و انقلابی محصول چنین پیروزی ای بر رژیم ارتجاعی حاکم است. طبیعی است که برای حزب دمکرات این دمکراسی به مثابه "آرزو" برای "دلخوشتر کردن جلو" کند. آواز همین امروز سیاست تمویل به اصلاحه و تهدید در مقابل مخالفین خود را، بعنوان "عین دمکراسی" و یک "مخمسکری مشولانه" تقدیر می کند، همین نقطه عزیمت نیز هرگونه "دمکرات منحصی" او را افشا می کند و ماهیت الگرناتیو ارائه شده از سوی این حزب را بر ملا می سازد.

در یک کلام حزب دمکرات، در فاصله دو کنگره خود عملاً "گام های بزرگی در دوری از یک الگرناتیو واقعا دمکراتیک برداشته است. لازمه هرگونه بازگشت او در ایمن زمینه "علمانه" "مشولانه" و "کامل" درست ارزیابی کردن مواضع دیرین و امروز خود، در مورد نیروهای انقلابی و ادافه درگیری بسا کومه له، بلکه برخوردی است که گام اول آنرا صلحا پذیرش بدون قید و شرط آتش بس فوری و گردن نهادن به اصول دمکراتیک ناظر بر جنبش کنونی تشکیل می دهد. در غیر این صورت، طبیعی است که حزب دمکرات برای تحقق بخشیدن به

شماره های خود در زمینه گسترش همکاری و غیره نیز، باید بدین نیروها هم بگردد که تنها وجه مشخص آنها "میبین پوست" بودن باشد.

اراضحه ۲

برای ایجاد صورتهای اسلامی

و حاضر نبوده اند جانس توده ها را رها سازند، مورد خشموت و سرکوب مزدوران قرار گرفته اند. از آنچه شمران اسلامی روستای "انجمن" را می توان نام برد. چندی پیش اعضا این شورا به بهانه اینکه گزارش روستا و اهالی را به سپاه پاسداران و دیگر ارگان های جاسوسی و سرکوب رژیم نداده بودند، و برای آنکه تن به همکاری و همکاری یک عنصر سر برده و دست نموده درون شورا نداده اند، توسط سرکوبگران رسوده شده و به بیرون از روستا انتقال داده می شوند و در آنجا مورد ضرب و شتم و کتک کاری و اهانت مزدوران قرار می گیرند.

مزدوران رژیم جمهوری اسلامی در هر جا که موفق به تشکیل چنین شوراهای ساختگی گشته اند، آنان را با زور و فریب به جلسات رسمی خود می کشانند تا اجازات محدود اجباری "اموزشی" برای آنان برپا می کنند، آنان را به شهرهای خارج از کردستان می برند، یا نام آنها دست به انتشار نشریه و اعلامیه می زنند، تا بالاخره از این طریق بتوانند آنان را به ارگان های سرکوب خود ضمیمه کرده و وادار به جاسوسی نمایند.

اما مبارزه زحمتکشان روستاها علیه سرکوبگران و عدم استخفاف و مخالفت شان با شوراهای اسلامی، و دزدی ها و تلاف برداری های آنان، مبارزه شان علیه غسل کاری ها، علیه تقسیم غیر عادلانه مواد غذایی، سهم خوار و بار و فروتر آن در بازار سیاه و غیره، مزدوران سرکوبگر را در دست یابی به هدف ارتجاعی خود ناگام گذاشته و تلاش های مذبحخانه رژیم را در این زمینه عث و بی ثمر نموده است.

عملیات پیشمرگان فدائی

دیگر ابعاد وسیعی به خود گرفته و با تحریک روزافزون پیشمرگان قهرمان خلق کرد، به آن کوناگون ضربات وارد بر مزدوران رژیم روزافزون نموده است. امروز دیگر در هیچ نقطه‌ای از کردستان آرامشی برای مزدوران رژیم برجای نمانده است. سکوت دهشت‌آور حاکم بر پایگاه‌های مزدوران رژیم در عمل همیشه با یورش ناگهانی و قهرمانانه پیشمرگان درهم شکسته شده است و این امر همین پایگاه‌ها را به زندانهای مبارک برای مزدوران رژیم تبدیل نموده است که آرامش تو را و حاکم بر آنها نیز همیشه آستان سرگ و زندگی است. و در انتظار حمله‌ای که هیچگاه امکان پیش‌بینی آن برای مزدوران صبر نیست.

درست در ادامه چنین حلقه‌ای به مزدوران رژیم نیز پیشمرگان فدائی طی یک جوله سیاسی-نظامی در منطقه بانه - سردشت و با اجرای عملیات ضربتی بر روی پایگاه‌های رژیم در روستاهای منطقه بانه، ضمن به نوازش گذاشتن توان رزمی خود، باطل بودن ادعاهای رژیم در کردستان را به اثبات رسانیدند. در طول یک هفته از شب تا صبحه سیزدهم دیماه ۶۴ پیشمرگان سازمان در منطقه بانه، چند عملیات تهاجمی بر روی پایگاه‌های رژیم انجام دادند که عبارتند از:

رژیم جمهوری اسلامی که چندین سال است با لاف و کزاف مدعی پاکسازی ضابط مختلف کردستان قهرمان شده است به استقرار پایگاه‌های متعدد در سراسر کردستان دست زده و مزدوران خود را در اقصی نقاط کردستان و در این پایگاه‌ها مستقر نموده است. برخلاف ادعاهای دروغین خود امروز پیشمرگان خلق کرد در سراسر کردستان قسراً دارند.

رژیم جمهوری اسلامی در واقع امر، با گسترش پایگاه‌های خود، به گسترش جبهه جنگ پرداخته است که ادامه آن تنها فرمایش پیش از پیش نیروهای مزدور خود و بی‌سرنجاسی تلاش‌های مذبحانهاش و ضرورت خنثی کردن رژیم در بخش را در با تلاق جنگ جنایتکارانه‌ای که هم‌اکنون پیش از شش سال است علیه خلق کرد آغاز کرده است، هر چه بیشتر آشکار می‌سازد. امروز دیگر هر پایگاه رژیم و هر تجمع مزدوران آن در این پایگاه‌ها، به یک هدف برای رگبار مسلسل‌های پیشمرگان صدل شده است. نه تنها از ابعاد جنگ انقلابی در کردستان گامته نرفته است، بلکه برعکس با گسترش جبهه مقابله با دشمن و بکارگیری تاکتیک‌های متنوع جنگ انقلابی در کردستان، این جنگ امروز

۱- عملیات تهاجمی بر روی پایگاه "برده بوک"

در ساعت ۷ عصر روز شنبه ۷ دیماه یک دسته از پیشمرگان فدائی همراه با شمارهای درود بر فدائی، سرگ بر امریالیم با شلیک راکت آر.بی.جی و رگبار مسلسل‌های خود پایگاه "برده بوک" را زیر آتش گرفتند و خساراتی بر آن وارد آوردند. مزدوران رژیم سراسیمه و بی‌هدف به خیابان باران اطراف پایگاه پرداخته و با سلاح‌های مختلف به هر سوی شلیک نمودند. همزمان با این تعرض چورانه دسته دیگری از پیشمرگان، جاده "برده بوک - کانی بی" را نیز تحت کنترل خود درآوردند.

این عملیات مقارن با سانور گروه بزرگی از جاشهای خائن و مزدور گروه ضربت سیاه پاسداران بانه در همان منطقه بود که برای پاکسازی منطقه به آنجا اعزام گشته بودند. از میزان خسارات و تعداد تلفات وارده بر این پایگاه خبر موثقی در دست نیست و پیشمرگان بعد از انجام این عملیات سالم به میحل‌های قرار خود بازگشتند.

۲- حمله به پایگاه "تاوه بان"

پایگاه تاوه بان نیز که بتازگی توسط دوخیمان جمهوری اسلامی برای سرکوب خلق قهرمان کرد برقرار شده است، بعد از شناسایی دقیق پیشمرگان فدائی در ساعت ۷ بعد از ظهر روز پنجشنبه ۱۲ دیماه برای اولین بار بعد از استقرار مجدد آن توسط یک دسته از پیشمرگان فدائی مورد تعرض واقع شده، با شلیک آر.بی.جی و سلاح‌های

پیشمرگان زیر آتش قرار گرفت. مزدوران آنجان از سرعت عمل پیشمرگان قهرمان دچار سردرگمی شده بودند که امکان هرگونه عکس‌العملی را از دست داده بودند. پیشمرگان فدائی بعد از اجرای آتش خود بر روی این پایگاه، همگی سالم به محل قرار خود بازگشتند.

۳- عملیات روی پایگاه "گرده شین"

همچنین پایگاه "گرده شین" نیز که به تازگی جهت اعمال جنایات رژیم جمهوری اسلامی در منطقه و در روستای "انجینه" مستقر شده است، برای اولین بار مورد شناسایی و تهاجم کوچ‌کننده پیشمرگان قهرمان فدائی قرار گرفت. این حمله که در ساعت ۶ بعد از ظهر روز جمعه ۱۳ دیماه صورت گرفت، عجز مزدوران رژیم را از امکان برخورداری از هرگونه عکس‌العملی، پیش از پیش به نوازش گذاشت. این عملیات که با شلیک آر.بی.جی آغاز شده و با رگبار مسلسل‌های پیشمرگان ادامه یافت، بدون آنکه مزدوران رژیم فرصت عکس‌العملی را پیدا کنند، بعد از صدتی شلیک ضد وی و قهقهه به درون پایگاه پایان یافت و پیشمرگان فدائی بعد از انجام این تهاجم برق آسا همگی سالم به مناطق تعیین شده بازگشتند.

از تعداد تلفات مزدوران رژیم و خسارات وارده بر این پایگاه نیز خبر موثقی در دست نیست.

از صفحه ۱

نگاهی به

مبارزات توده‌ای در کردستان

(سه ماهه سوم سال ۶۴)

علاوه بر موارد فوق که مشخراًترین جلوه‌های مستمری رژیم جمهوری اسلامی علیه توده‌های انقلابی است اجرای سیاست سرکوبگری و تسلیح اجباری و زن بالائی را در حرکات سرکوبگرانه دارا می‌باشد. برای زحمتکشان مقابل همه جانبه با این عملکردهای سرکوبگرانه و سیاستهای ضد خلقی به امری روزمره تبدیل گشته‌است. در سه ماهه گذشته نیز جوش حرکات اعتراضی و دسته جمعی زحمتکشان هر نقطه کردستان را فرا گرفته است.

در ۱۴/۶/۶۴ بعد از یورش به اهالی روستاهای "خزاییه" و "جندی بردان" روستای "خرابه" نیز آتش توپ و خمپاره قرار گرفت و خسارات مالی و جانی فراوانی به روستائیان وارد گردید.

در همین روزها ۸۰ روستای احشام روستای "اصحاب" در منطقه سهاپاد در اثر خمپاره باران روستا تلف گردیدند. در این منطقه مزدوران پس از تحمیل ضربات پیغمبران خلق کرد روستای "امین آباد" را در روزهای ۱۶ و ۱۷ آبانان به خمپاره بستند.

همچنین در تاریخ ۸/۱۸ مزدوران پطرزو و خنیانه‌ای به روستاهای "بی هنگون"، "لموج" و "کوخان" را به توپ و خمپاره بستند. که ضربه به شهادت یک جوان گردید. روستای "گروستک" در منطقه اشنویه در اثر توپ و خمپاره و کاتیوشا خسارات زیادی را تحمیل شد مزدوران به داخل روستا یورش برده، پل و اموال اهالی را به غارت بردند.

روز ۱۶/۸/۶۴ روستاهای "بران"، "کولان"، "کانی رش" بوده. میان در منطقه مردمشک نیز آتش توپ و خمپاره قرار گرفتند و بعد از آن نیز در برخی روستاها از جمله روستای "کولان" مزدوران با یورش خود ۲ نفر را دستگیر کردند و در روستای "بران" ضمن تفتیش خانه‌ها به غارتگری پرداختند. در تاریخ ۸/۱۲ روستای "شک هینان" در منطقه بانه هدف آتش توپ و خمپاره قرار گرفت که منجر به زخمی شدن ۱۰ نفر و شهادت یک زن گردید.

علاوه بر خمپاره باران روستاها مزدوران رژیم جهت تهدید فشارهای بی حد و حصر را بر زحمتکشان انبارهای علوفه را بستند کشیدند. در تاریخ ۱۲/۸/۶۴

مزدوران در آستانه فصل زستان برای اعمال فشار بر زحمتکشان روستاها بسیاری از انبارهای علوفه و انبارهای زستانی اجسام اهالی را به آتش کشیدند. اغلباً را ویران کردند و به زور اهالی چندین روستا را وادار به تخلیه خانه و کاشانه خود و ترک محل کار و زندگی‌شان نمودند.

مزدوران رژیم با به محاصره در آوردن روستاهای مناطقی مختلف و یورش بداخل آنها، برای ایجاد فضای رعب و وحشت اهالی را هدف تیراندازی خود قرار دادند و ضمن تعدی به امیالی و تفتیش خانه‌های آنها هر آنچه از اموال و دارائیهای اهالی بدستشان افتاد بتاراج بردند. آنان بهر شیوه ممکن از فریب یا زور و تهدید از زحمتکشان اخاذی مالی نمودند.

مزدوران در برخی مناطق اطراف زمینهای کثرت و کار اهالی را با سهم خادان محصور نمودند و از اراکین آنان جلوگیری کردند و یا با تشویدالهای مترجم و صلح به غصب زمینهای محاصره شده توسط دهقانان (بعد از قیام ۷۲) پرداختند و آنان را تحت شکنجه و آزار قرار دادند. اهالی در حین عبور و مرور از مسیر جاده‌های مناطق مختلف توسط مزدوران با توهین و آزار و اذیت رو برو شدند، مزدوران هرکسی را به زور ضرب و شتم می‌کنند و بهانه‌های مختلف آنان را دستگیر و با خود بردند.

مزدوران اهالی را به انحصار گوناگون به بیگاری واداشته و در مواردی از آنان برای پاکسازی محل‌های تودر خود که در اثر مسین گذاری پیغمبران انقلابی ناامن گردیده‌اند استقاریه نمودند.

جنبش توده‌ای در کردستان همچنان در عرصه مبارزه انقلابی خلق کرد از جایگاه ویژه‌ای برخوردار است. سراسر سرزمین کردستان، روستا به روستای آن به کانون پرچون مبارزه تبدیل گشته است و زحمتکشان متحدیده با عزمی راسخ و ستیزنده در مقابل سرکوبگران خلق کرد ایستاده‌اند.

در چند سال گذشته، رژیم ارتجاعی جمهوری اسلامی، در مقابل مبارزه توده‌های انقلابی برای کسب حق تعیین سرنوشت خود و امحاء ستوری ملی، راه چاره‌ای جز توسل به نیروی سرکوب‌نداشته است. اما در مقابل جنایات و وحشیگریهای رژیم تاکنون، شعله‌های جنگ انقلابی هر روز به تعداد بسیاری از نیروهای سرکوبگر را به کام نابودی کشیده است. و توده‌های زحمتکش با قدرتی پایان ناپذیر و در پرتو تحریک صلحانه پیغمبران دلاور خلق کرد، هر نقطه از کردستان را به دو مبارزه علیه مزدوران سرکوبگر رژیم تبدیل ساخته‌اند.

رژیم جمهوری اسلامی، همچنان در صاههای گذشته نیز به انگال مختلف سیاستهای سرکوبگرانه اثر را علیه توده‌های خلق کرد اعمال نمود. توده‌های انقلابی در مبارزه‌ای مداوم و رو به گسترش، نیروهای سرکوبگر را در عرصه‌های مختلفی با شکست رو برو ساخته و با قدرت رزمی خود ضعف و زبونی رژیم را بنمایش گذاشتند.

طی سه ماهه گذشته، مزدوران سرکوبگر مستقر در پایگاههای نظامی، در روستای کردستان را هدف آتشباری توپ و خمپاره قرار دادند. در اثر این اعمال جنایتکارانه دهها تن از اهالی بی دفاع در خون خود غرق گشتند و خانه و کاشانه آنان ویران گشت.

نگاهی به

مبارزات توده‌ای

در روستای "نستان" در منطقه ریط روستای "بادینای" در منطقه پیرانشهر، روستاهای "حنکو" ابنی "کاتی سی" در منطقه ارومیه، انبارهای علوفه توسط مزدوران به آتش کشیده شد. و در آبانماه مزدوران اقلیهای احشام در روستای "ناری" توسط مزدوران به آتش کشیده شد. در منطقه بانه در ۳۰ آبان ماه بعد از یک پورش گسترده به روستای "سوتو" آغل‌ها و انبار علفه دام‌های اهالی به آتش کشیده شد. در اوایل آذرماه نیز مزدوران در روستای "گولی" منطقه ریط آغل‌های روستا را به آتش کشیدند.

در غالب این حرکات وحشیگرانه مزدوران رژیم قصد داشتند تا با واداشتن اهالی بی دفاع به عقب نشینی و تمکین به سیاست‌های رژیم روستاها را که هرکدام از آنها بمشابهت یک پایگاه حمایتی نقش تعیین کننده ای در پیشبرد جنگ انقلابی برای پیشمرگان دارند، از سگه خالی نماید.

اغلب در چنین مواردی، اهالی علی‌رغم تحمل خسارات مالی و جانی فراوان حاضر به تخلیه روستاها نگفتند. در حرکات اعتراضی نسبت به این اعمال جنایتکارانه از آنجائی که شیوه حرکت مزدوران به نحوی بود که آنها یا رودرروی اهالی قرار نمی‌گرفتند و یا در صورت حضور مستقیم غالباً به سرعت روستا را ترک می‌کردند. اعتراض اهالی در شکل مشخصی نمود یافته است. مراجعه به شهرها و اعتراض در مقابل ارگانهای دولتی آن شکل اعتراض مشخص است.

اهالی روستای "خرابه" در منطقه پیرانشهر در اعتراض به توب و خمپاره روستا با تجمع و اعتراض در مقابل سپاه پاسداران شهر، کین و نفرت خود را به نمایش گذاردند.

اهالی روستای "اصحاب" در منطقه مهاباد در اعتراض به توب و خمپاره پاران و تحمل خسارات مالی بگردان "میرسیه" مراجعه و اعتراض نمودند.

اهالی "بیهنگون" و "حسن چپ" در مقابل تهدیدات مزدوران به حیران کردن روستاها در مقابل ارگانهای دولتی شهر مهاباد به اعتراض دست زدند.

اهالی روستای "سوتو" در اعتراض به آتش زدن انبارهای علوفه در شهر بانه به اعتراض پرداختند.

اهالی روستای "گولی" در منطقه ریط در اعتراض به خمپاره باران روستا به سپاه پاسداران اعتراض نمودند.

اما یکی از برجسته ترین نمونه های حرکات اعتراضی توده‌ها، علیه کوچ اجباری در منطقه "ریله ساران" استندج بود که اعتراض خندان اهالی چندین روستا مزدوران را وادار به عقب نشینی کرد.

در اوایل آذر ماه پورش جنون آسای مزدوران به قصد کوچ اجباری اهالی روستای "هه وارم" گرمه "هه وال سه بی" تنگیخ "شانشین" علی‌رغم بکارگیری زور و ارباب و تخریب خانه های روستای "هه وارم" در اثر مقابله اهالی با شکست مواجه شد.

دانشه این اعتراضات تاثيرات خود را بر روستاهای اطراف بر جای گذارد و حمایت های ضمنی اهالی آنها را بر انگیزت. رژیم موفق به تخلیه روستاهای "هه وال سه بی"، "تنگیخ" "شانشین" نند و در مقابل اعتراض ۸ روزه اهالی روستای تنگیخ در شهر سروان و سفندج، دست از تهدیدات خود علیه این روستاها برداشت.

همچنین مزدوران رژیم جهت تشدید فشار بر اهالی به شیوه های گوناگون به اخذی مالی از توده‌ها پرداختند. زحمتکشان نیز طوسی چندین حرکت اعتراضی به صقالبه با این اقدام فارتگرانه مزدوران برخاستند.

مزدوران در ۲۶ و ۲۷ مهرماه روستاهای "اروک" و "کولکه رمش" در منطقه بازار سردشت را مورد پورش فارتگرانه قرار داده و به اخذی مالی از اهالی آنها پرداختند.

زحمتکشان روستای "کورانه" در منطقه "ترگو" جاشهای مزدور را که قصد ورود به روستای مزبور جهت اخذی اهالی آن داشتند، با مقاومت و اعتراض خود به

عقب نشینی واداشتند. در همین منطقه مزدوران از اهالی روستای "قاپر" بنام پیشمرگه پول اخذی کردند. جاشهای مستقر در شهرک ریط به روستای "اشقل" مراجعه کرده و بنام پیشمرگه پس از ضرب و شتم صاحب یک خانه مقداری پول از او اخذی نمودند.

جاشهای منگور در منطقه مهاباد که اکثراً فتودالهای منطقه هستند، از اهالی چندین روستای این منطقه اخذی کردند و سپس در "میرانه"، "بیهنگون"، "حسن چپ"، "محمودآباد"، "موسی دایک" "کوزراو" و "زیوه" حلفی نزدیک به ۲۰۰۰۰۰ تومان و تعدادی احشام را به غارت بردند.

در ۲۴ آبانماه مزدوران رژیم به روستای "داشخانه" در منطقه "شارویران" رفتند و تحت عنوان پیشمرگه از ساکنین خانه طلب پول کردند. هنگامی که اهالی خانه به ماهیت آنان پی بردند مزدوران ضد خلقی یکی از فرزندان صاحب خانه را به شهادت رسانیده و بصر دیگر او را با خود بردند.

در نیمه آبان ماه مزدوران به بهانه خانه گسردی دست به غارت و چپاول اموال و دارائیهای اهالی روستای "یاغیان" در منطقه مهاباد و روستای "یالانی" در منطقه "سارده کورستان" مهاباد زدند.

همچنین در همین روزها در منطقه پیرانشهر در چندین نمونه مزدوران بنام پیشمرگه از اهالی پول اخذی نمودند. از جمله در شهر پیرانشهر ۱۰۰۰۰ تومان از صاحب یک خانه و ۶۰۰۰۰ تومان از خانه دیگر اخذی کردند. در روستای "بنای" مزدوران رژیم به نام پیشمرگه از مردم طلب پول کردند که با مقاومت صاحب یک خانه به عقب رانده شدند. در روستای "کینه لاجان" مزدوران علاوه بر اخذی مطلق سند زمین صاحب خانه را نیز با زور گرفتند.

در اوایل آذر ماه چند تن از مزدوران صلح رژیم با زور صلح صد و هفتاد هزار تومان از اهالی روستای "دال دالان" در منطقه ریط اخذی نمودند. در منطقه ریط نیز مزدوران پی از تحمل ضرباتی چند از پیشمرگان خلق کرد به روستای "نیسک آوی" پورش برده و با زور اسلحه به

غارت اموال اهالی پرداختند و مبلغ صد و پنجاه هزار تومان از آنان اخاذی کردند.

لازم به یادآوری است که مزدوران نه فقط با توکل به زور و با فریب به اخاذی می پرداختند بلکه یکی از شیوه های دیگر آنان این است که تحت عنوان "زکات" و "آچاره" از زحمتکشان طلب پول می کردند.

همانطور که ملاحظه می گردد مزدوران سرکوبگر که علت وجودیشان در کردستان سرکوب، ستم و غارت و چپاول است چگونه در حق توده های ستمگر از هیچ بداندستی فروگذار نمی کنند. آنان در مواردی توانسته اند به نام پیشمرگه و با فریب توده های مالفی را به چنگ آورند لیکن این خریه مزدوران در موارد دیگر نقش بر آب گشته و توده های نه تنها پیشینی در اختیار آنان قرار نداده اند بلکه به مقابله اعتراضی با آنها پرداخته اند.

در همین رابطه:
- اهالی روستای "قلاکون" ۴ تن از مزدورانی را که به قصد غارتگری وارد این روستا گردیده بودند با هوشیاری دستگیر نمودند.

- اهالی ۱۳ روستای منطقه مهاباد جهت اعتراض به اقدامات غارتگرانه مزدوران به فرمانداری شهر مهاباد رفته و از مقامات رژیم می خواهند تا به این اعمال بددشمنانه رسیدگی گردد. از آنجا که فرماندار منزبور خود از همدستان جاشما می باشد از پاسخ گوئی به زحمتکشان طفره می رود.

- اهالی منطقه پیرانشهر نیز پس از بی بردن به طاهیت ارتجاعی مزدورانی که بنام پیشمرگه پول اخاذی می نمودند در مقابل این عمل شایدانه اعتراض نمودند.

و حالا گوشه ای دیگر از حرکات اعتراضی زحمتکشان کردستان:

- ۱۱ مهر ماه اهالی روستاهای "ضدان" و "مهرای" در برابر یورش مزدوران برای ضرب و شتم اهالی مقاومت و اعتراض نمودند.

- اهالی روستای "گندان" در منطقه مهاباد با تجمع و اعتراض خود در مقابل یکی از مقرهای متقرر در روستا مزدوران را واداشتند که دست از محاصره روستا بردارند.

- اهالی روستای "کولان" در منطقه سروان در مقابل اجرای طن اداره جنگلبانی به مخالفت

برخواستند. آنان در چند روزی در شهر سروان، در مقابل اداره جنگلبانی، دادگاه و سپاه پاسداران دست به تظاهرات اعتراضی امیز زدند. عده ای دیگر از اهالی طایفه پیشرفت کشاور مزدوران برای ایجاد محدودیت در مراتع و کشیدن سیم خاردار شدند. اعتراض اهالی مزدوران را به عقب نشینی واداشت.

- اهالی روستاهای "دری" و "خیر آباد" در منطقه سروان ضمن اعتراض به اعمال جنایتکارانه مزدوران موفق شدند چند یکی از اهالی را که توسط مزدوران به شهادت رسیده بودند بگیرند. و بالاخره فشار اهالی روستای "قره ناو" در منطقه سقز مزدوران را در احداث پایگاه متقرر در روستا به عقب نشینی واداشتند.

چنین بود جنبه های از حرکات اعتراضی زحمتکشان کردستان در برابر جنایات و وحشیگری های مزدوران رژیم جمهوری اسلامی.

علیه سرپازگیری اجباری

طی سه ماه گذشته مقابله با سیاست سرپازگیری اجباری به نسبت طاهای گذشته شکل حادثی بخود گرفته است. رژیم در طاهای گذشته ضحاک تبلیغات جنگی، موج صیغی از سرپازگیری اجباری را در شهرها و روستاهای مراکز ایران به راه انداخت و گروههای مختلفی از اقشار مردم را روانه جنبه های جنگ ایران و عراق نمود. در مسیر جاده های فواصل شهرها پستهای پانزسی جهت دستگیری جوانان گسترش یافت. مدارس و کارخانه ها به جولا نگاه مزدوران مبدل گشت و رژیم بر یورش های خود به روستاهای کردستان جهت اجرای این سیاست افزود.

از آنجاییکه در گذشته مزدوران رژیم به تجربه دریافته بودند که در اثر مقابله توده های زحمتکش به راحتی قادر به پیشبرد یک چنین کاری نیستند این بار به شیوه های غافلگیرانه خود افزودند و محور عملی اجرای این سیاست را دستگیری وسیع جوانان و به اصطلاح مسئولین خدمت رسان قرار دادند. اما این اقدامات مزدوران نیز از سوی توده های بی جواب نمانده و مقابله زحمتکشان ضمن ابراز مخالفت و اعتراض در مبارزه روزمره خود نیز شیوه های مقابله مختلفی را جهت خنثی سازی این سیاست

در پیش گرفتند و در بسیاری موارد نیز موفقیتهایی کسب نمودند.

اعتراض دسته جمعی و بیرون راندن مزدوران از روستا، زد و خورد با مزدوران، قرار جوانان از روستاها، تجمع در مقابل ارگان های دولتی از جمله شیوه های مقابله اهالی با سیاست سرپازگیری اجباری بود.

در منطقه مهاباد طی ماههای آبان و آذر مزدوران رژیم برای سرپازگیری اجباری یورش صیغی را به روستاهای منطقه آغاز کردند. تعدادی از جوانان را دستگیر نمودند. عده ای از دستگیر شدگان در ۲۴/۷/۶۴ به ارومیه منتقل گردیدند تا از آنجا ترتیب اعزام آنان به جبهه ها فراهم گردد.

زحمتکشان روستای "کانی رش" در اوائل آذرماه در اعتراض به دستگیری ۶ نفر از جوانان به مقابله با مزدوران برخاستند و با سنگ و چوب ضمن از کار انداختن یک خودروی مزدوران و زخمی کردن چند پاسدار تا آزادی دستگیر شدگان به اعتراض خود ادامه دادند.

اهالی روستاهای منطقه "چم مجیدخان" نیز در اعتراض به این سیاست به زد و خورد با مزدوران پرداختند. مزدوران موفق به اجرای این سیاست نگردیدند و برای چندمین بار شکست فخرحانه خودشان را تجربه نمودند.

اهالی روستاهای منطقه اشنویه از جمله شیروانه، دوتیک، لورگان، گلار و شیوه بیرو در منطقه نه لاس در مقابل اینکه مزدوران از آنان خواسته بودند جوانان را جهت سرپازی آماده کنند اشتناکی به خواست مزدوران نکردند.

طی روزهای ضوالی در آبان و آذرماه در روستاهای اطراف سقز مزدوران اقدام به دستگیری عده ای از جوانان نمودند. شدت این دستگیری به حدی بود که حتی از یک خانواده ۳ نفر نیز توسط مزدوران دستگیر شده اند. این اقدام مزدوران اعتراض زحمتکشان را برانگیخته، افراد دستگیر شده نیز به این اقدام مزدوران اعتراض نموده و عده ای دیگر از جوانان "بله جر" "قره جر" موفق شدند از چنگ مزدوران بگریزند.

در ادامه اعتراض اهالی نسبت به دستگیری فرزندان تعدادی از مردان و زنان روستاهای منطقه گورک در شهر سقز در مقابل

نگاهی به

مبارزات توده‌های ...

یادگان این شهر تجمع نمودند و خواستار آزادی قسرزندانشان شدند.

در منطقه بوکان رژیم با توسل به آزار و اذیت حدود ۵۰۰ تن از جوانان شهر و روستا را دستگیر نمود. همچنین در منطقه "فیض‌اله بیگی" مزدوران با استفاده از تاریکی شب، روستاها را مورد هجوم قرار داده و به دستگیری جوانان پرداختند. اما مزدوران در این زمینه موفقیتی بدست نیاوردند و تنها ۱ نفر از جوانان ۲ روستای "التون" و "قاره‌آوا" را دستگیر نمودند.

در اواخر مهرماه جوانان روستای "سگان" در "سگور" قبل از اقدام جانیها و پاسداران برای دستگیری آنان از روستا خارج گردیدند. مزدوران که در اجرای نقشه خود ناکام مانده بودند ضمن اذیت و آزار و سرکوب اعتراضات اهالی دست به تیراندازی زدند که یک نفر از اهالی مجروح گردید.

همچنین در ۳۱ مهرماه به جز چند نفر، جوانان روستاهای "شیخ‌نر" و "جیزیان" در این منطقه موفق شدند از جنگ مزدوران بگریزند. بدنبال دستگیری تعدادی از جوانان اهالی دست به اعتراض زدند و با حمله به مزدوران و سنگساران آنها ضمن شکستن تفنگ یکی از مزدوران موفق گردیدند دستگیر شدگان را آزاد و مزدوران را از روستا بیرون کنند.

در منطقه مریوان بسیاری از روستاها تحت فشار سیاست سرمایه‌داری اجباری قرار گرفتند. روستاهای "بلچه سوور"، "ماموسه" و "لاسان" مورد یورش قرار گرفتند. مزدوران روستای "سورکه‌ول" را چندروزه زوالی خمیازه باران کردند. اهالی روستاهای منطقه از جمله اهالی "۱ روستا" "ماموله"، "گولان"، "بلچه سوور"، "لاسان"، "پیرخیران" و "دو"، "هلیزآوا"، "پیره"، "نیزل"، "ونینه یائین"، "ونینه بالا"، "کوپره"، و "هنگ زاله" ضمن ایستادگی در مقابل مزدوران بطور دسته جمعی با ترک روستاهای خود مزدوران را در اجرای سیاست خود با شکست مواجه ساختند.

اما بارترین نمونه شکست

رژیم در این زمینه حرکت اعتراضی و زد و خیزد اهالی "گلنجه" در منطقه "قره توره" دیواندره بوده.

بعد از تلاش‌های مکرر مزدوران رژیم برای دستگیری جوانان در روزهای ۱۱ و ۱۲ مهر روستای فوق به محاصره مزدوران درآمد. در روز اول عده‌ای از جوانان دستگیر گردیدند و در روز بعد مزدوران برای ارباب اهالی دست به تیراندازی زدند. روستائیان به این عمل مزدوران اعتراض کردند و در جلو پایگاه تجمع نمودند و خطاب به مزدوران گفتند: "سربازی نمی‌کنیم" حاضر به چنین کاری نیستیم.

مزدوران به محض مشاهده اتحاد و یکپارچگی اهالی دست به تیراندازی می‌زدند، یک نفر زخمی می‌شود، زخمی‌شدگان با شعار بطرف پایگاه حرکت می‌کنند. مزدوران زخمی‌شدگان را ویران می‌کنند و در داخل پایگاه با مزدوران که در حال تیراندازی بودند درگیر می‌شوند. عده‌ای از اهالی خود را به زندان رسانده و در آن را برای آزادی دستگیر شدگان می‌کشایند. و تعدادی از مزدوران توسط اهالی خلع سلاح می‌گردند. مزدوران که عصبانیت خود را می‌بینند عقب نشینی کرده خطاب به توده‌ها می‌گویند: "از شما سرباز و سربازی نمی‌خواهیم فقط سلاح‌ها را به افراد پایگاه برگردانید."

از مدت‌ها پیش که رژیم جنایت پیشه جمهوری اسلامی قصد دارد تا با حربه "سرمایه‌داری اجباری" جوانان کردستان را به صلح جنگ ارتجاعی کشانده و نیروی آنان را وسیله رسیدن به اهداف ضدانقلابی آن نماید و سردم شهرها و روستاهای کردستان شدیداً تحت فشار مزدوران قرار داشته‌اند با این وجود حرکات اعتراضی زخمی‌شدگان طی سه ماهه گذشته نشان می‌دهد که توده‌های انقلابی همچنان درگیر و دارمقابل با این سیاست حاضر به عقب‌نشینی در مقابل مزدوران نبوده و نیستند.

* علیه تسلیم اجباری

در زمینه اجرای سیاست تسلیم اجباری در ماههای تیر، مرداد و شهریور علیرغم اینکه رژیم نیروی زیادی را در خدمت

این سیاست به کار گرفته بود، متأسفانه توده‌های زحمتکش نیز با این سیاست از ابعاد وسیعی برخوردار نبود. رژیم حتی در چندین روستا برای چندمین بار وادار به عقب‌نشینی گردید. در ادامه این روند اخبار اعتراضات توده‌های علیه تسلیم اجباری در سه ماهه مهر و آبان و آذر نمودهای روشنی از عقب‌نشینی رژیم را نشان می‌دهد.

زخمی‌شدگان نمی‌خواهند با تن دادن به تسلیم اجباری در خدمت رژیم باشند، بنابراین به هر شکل ممکن با این سیاست به مخالفت برمی‌خیزند.

یکی از شیوه‌های که بلاواسطه از سوی زخمی‌شدگان در مقابل با مزدوران بکار بسته می‌شود، اعتراضات دسته جمعی است. این اعتراضات به هر شکل وسیع یا محدود بیانگر وجود ریشه دار تمایلات ستیزه جویی در بین زخمی‌شدگان است.

هرچوقت حاضر به چنین کاری نیستیم و صلح نمی‌شویم. این پاسخ قاطعانه اهالی روستای "قره یان" در منطقه "چم - شام" سفندج در ۲۲ دیماه گذشته بود. مزدوران علیه اهالی این روستا به زور و تهدید پناه بردند عناصر فرسوت طلب و شورای فرمایشی را وسیله قرار دادند، اما کساری از پیش نبردند و اهالی روستا مصطانه به مقاومت خود ادامه دادند.

رژیم در منطقه ارومیه از حربه دستگیری اهالی استفاده نمود تا زخمی‌شدگان روستاهای "بانسی" و "یراسب" را وادار به تسلیم سازد. زخمی‌شدگان مقاومت و اعتراض کردند و از پذیرش یک چنین خواستگی اضلاع و رزی شدند، مزدوران به شکنجه و آزار توسل جستند، چندین نفر را صدمه کردند اما اهالی محکم و استوار در مقابل آنان ایستادند. تهدید و ارباب مزدوران علیه اهالی روستاهای "آخ جوان" و "ارضی بلافی" در منطقه بوکان کارگر نیافتاد. اهالی نه تنها بنا به خواست رژیم صلح نکردند، بلکه دست به اعتراض بر علیه آن نیز زدند.

اهالی روستای "ضامن آوا" در منطقه مقرر نیز تن به خواست رژیم ندادند و صلح نکردند. در منطقه پناه نیز روستاهای "پوشین یائین" و "گوسزلی" شاهد اعتراض اهالی علیه سیاست تسلیم اجباری بودند.

در منطقه "هموشار" که حاضر به تمکین در مقابل مزدوران نبودند روستای خود را تخلیه کرده و آواره روستاهای اطراف گردیدند.

زحمتکشان روستای "بلاهر بیده" گنده لان، "بیمکان" کانی، "زویسه" کپوره گوینز، "قاره سان" قشلاق، "صید آباد" و "شیخ چیمان" در اثر فشارهای مداوم مزدوران خانه و کاشانه خود را رها ساخته و به روستاهای اطراف پناه بردند. و در روستای "ضدان" و "کانسی" شتیان در منطقه اشنویه بعد از تهدیدات مزدوران منسی بر اینکه "یا صلح شوید" یا "روستا را تخلیه کنید" و امتناع اهالی از هر دو خواست مزدوران دست یگار شده و اهالی روستای "ضدان" را با زور اسلحه از روستا بیرون کرده و آنان را آواره ساختند.

همانطور که ملاحظه شد تسلیم اجباری که از صدتها پیشتر رژیم علیه جنبش انقلابی خلق کرد یگار بسته است در عمل با نتایج مطلوب رژیم روبرو نشده است. توده ها حاضر نیستند در خدمت سیاستهای ضد انقلابی رژیم، صلح باشند و مقابله با این سیاست بخشی از مبارزه روزمره توده ها را تشکیل می دهد.

در خاتمه:

همانطور که روند جنبش توده ای کردستان نشان می دهد، نیروهای سرکوبگر علی رغم گشتار بی حد و حصر و جنایت خود در کردستان، در زیر آتش پیشمرگان خلق کرد و امواج پرتلاطم مبارزات توده ای همه روزه با شکست و ناکامی بازم بیشتر و روبرو می گردند. لیکن بر اساس تجربیات جنبش های توده ای و بالاخص تجربیات خونبار جنبش انقلابی خلق کرد امروز آنچه که بعنوان یک نقطه ضعف جنبش کنونی به شمار می رود همانا فقدان یک تشکل انقلابی توده ایست که بعنوان سازمانگر و هدایت کننده مبارزه جاری بتواند حول شعارهای معین مبارزه توده ها را هماهنگ کرده و پیوستگی درونی جنبش را در زمینه عملی تحقق گرداند.



نگاهی به . . .

هستند و حاضر نیستند صلح شوند.

همچنین طی جلسه ای دیگر مزدوران رژیم از جمله فرماندار، اما جمعه، فرمانده سپاه پاسداران از ملاحای منطقه پیرانشهر می خواهند که تبلیغات خود را به نفع رژیم گسترش دهند. توده ها را از مبارزه پیشمرگان طبرستان سازند، مردم را به تسلیم به نفع رژیم تشویق نمایند.

با تمامی این تدابیر مزدوران رژیم موفق به پیشبرد سیاست های خود نمی شوند.

زحمتکشان روستای "سراو" و "گلجلی" در منطقه مهاباد در تاریخ ۲۱/۷/۶۴ پس از اعتراض ضدانه در مقابل پرورش مزدوران به این روستاها در ادامه حرکت خود به شهر سرجمه کرده و در مقابل ارگانهای دولتی سیاست های ارتجاعی رژیم را محکوم می کنند.

با در مواردی دیگر اعتراضات توده ای ضربه زد و خورد بسیار مزدوران گردیده و از جمله در تاریخ ۲۳ مهرماه کشته مزدوران جهت اجرای سیاست تسلیم اجباری قهر و رود بسته روستای "گنده لان" در منطقه گورک سقز داشتند، زنان دست بسته اعتراض زده و با سنگ و چوب خود روهای مزدوران را در هم می شکنند. قشایلا از طرف مزدوران تیراندازی صورت می گیرد که ضربه محرج شدن یکی از زنان می گردد. طی حرکتی دیگر زنان زحمتکش روستای "بیمکان" به محض اطلاع از حرکت مزدوران را وادار به عقب نشینی می کنند.

صلما" آنجا که مزدوران در مقابل اراده توده ها وادار به عقب نشینی می گردند، بر شدت و حیثیگری خود می افزایند.

توده های زحمتکش تحت هیچ شرایط حاضر به تسلیم اجباری نیستند و در مقابل نیروهای سرکوبگر تن به مصالحه نمی دهند. حتی از خانه و کاشانه خود دست می کشند تا مزدوران را در اجرای سیاست خود ناکام گذارند.

در همین رابطه بعد از تهدیدات مزدوران برای تسلیم اجباری اهالی روستای "سرمستی"

حرکات فوق تنها گوشه ای از مجموعه اعتراضاتی است که زحمتکشان فی الفور به شکل عمومی و دسته جمعی در پیش می گیرند و غالباً موفق می گردند با توسل بدان رژیم را به عقب نشینی وادارند.

رژیم اما در مقابل حربه های گوناگونی یگار می برد و فشارهای زیادی اعمال می کند.

دستگیری، با زور صلح کردن افراد و واداشتن اهالی به تخلیه روستا، تبلیغات عوام فریبانه توسط عواطف خود فرور و . . . از جمله این حربه ها هستند. با این وجود اعتراض زحمتکشان داضه بیشتری می گیرد.

در مهرماه مزدوران رژیم بعد از صدتها تلاش در منطقه "هموشار" برای تسلیم اجباری و مقابله با اعتراض اهالی ۷۰ نفر از روستای "قوجه" را که از صلح شدن امتناع کرده بودند دستگیر نمودند.

طی یک یورش شبانه به روستای "وله ژیر" در منطقه سرجمان ۱۰ نفر از اهالی آن دستگیر شدند. در پرورش های شبانه ۱ نفر دیگر از همان روستا دستگیر گشتند و بزور ۷ نفر از آنها صلح شدند. چند نفر دیگر نیز در منطقه "واوه رود" تحت عنوان "مرباز پاسدار" تحت فشار صلح شدند.

تعدادی از اهالی روستای "وله ژیر" در منطقه سرجمان با زور رژیم صلح و به روستای "سیانسا" برده شدند. افسرد صلح شده که حاضر به یک چنین کاری نبودند طی یک حرکت اعتراضی پایگاه مزدوران را ترک و دیگر حاضر نشدند برگردند.

امروزه وقتی فهمید رود در روشی با توده های زحمتکش نتیجه ای نخواهد داد، تلاش کرد تا با تحت نفوذ قرار دادن اعضای شوراهای روستایی و از طریق آنان سیاست خود را پیش برد، در روز ۲۲/۸/۶۴ کلیه شوراهای روستایی منطقه پیرانشهر با فراخوان فرماندار این شهر تجمع نمودند. مقامات مزدور رژیم از جمله امام جمعه، نماینده سپاه، فرماندار مرتجع کوشیدند تا با یاره سراتی اعضای شوراها را ترفیب کنند تا اهالی روستاها را به هر نیسوه وادار به تسلیم نمایند. افزاه شوراها که بخوسی با روحیات توده ها آشنایی داشتند به مزدوران اعلام کردند: مردم مشغول کار و زندگی شان

اخبار جنبش توده‌ای



دی" گرد آیند، تا آنان بتوانند از این طریق به تبلیغ برای سرباز گیری بپردازند. اما روستائیان به این خواست مزدوران و قصاب نمی‌نهند و از اجرای آن رها می‌زنند. سرکوبگران که با این شیوه هیچ نتیجه‌ای نگرفته بودند، زحمتکشان را تهدید کردند که چنانچه طی مدت بیست و چهار ساعت جوانان را به مراکز سرباز گیری معرفی ننمایند، آنان را بعنوان سربازان فراری تحت تعقیب قرار می‌دهند. روستائیان در برابر این حرکت مزدوران، شدیداً دست به اعتراض زدند و شوراها را اعلام می‌کنند، این ارگان‌های جاسوسی رژیم از ترس خشم و اتقمام زحمتکشان، توانستند با سرکوبگران رژیم همکاری و همکاری داشته باشند.

بر اثر تیراندازی فرمانده مزدور مستقر در پایگاه روستای "شکین" یکی از زحمتکشان روستایی به شدت زخمی می‌شود. اهالی روستا نسبت به این حرکت جنایتکارانه شدیداً اعتراض می‌کنند و به این مزدور جانی حمله می‌برند. اما تعسداً از جانش‌های مزدور به داد او می‌رسند، و او را از چنگ انتقام روستائیان نجات می‌دهند.

در تاریخ بیست و چهارم آذر ماه، فرمانده عملیاتی رژیم در محله "سروآباد" به اتفاق فرمانده مزدور پایگاه روستای "هرسین" همراه با عده‌ای از عناصر مسلح و مزدور خود به روستای "هرسر" در بخش "زاوه رود" هجوم می‌برند و به قصد فریب و تحقیر توده‌ها، از آنان می‌خواهند تا در یک جا گرد آیند و به سخنان آنان گوش فرا دهند. اما اهالی روستا، خواست مزدوران را با سکوت و بی‌اعتنایی پاسخ می‌دهند. سرکوبگران که متوجه بی‌اعتنایی اهالی می‌شوند، چند نفر از افراد من روستا را مورد ضرب و شتم قرار داده و آنان را با خود به پایگاه می‌برند. اهالی روستا نسبت به این عمل وحشیانه دست به اعتراض می‌زنند و تا آزاد شدن دستگیر شدگان به اعتراض خود ادامه می‌دهند.

اهالی زحمتکشان روستاهای مریوان، در مقابله علیه مزدوران جنایتکار رژیم نمونه دیگری از اتحاد و یکپارچگی آفرینند و قدرت لایزال خود را بار دیگر به نمایش گذاشتند.

سرکوب و وحشیانه زحمتکشان

فغانه نرس و تیراندازی در مهاباد

جنبش انقلابی خلق کرد است!

می‌شود، اما اعتراض اهالی موجب عقب نشینی مزدوران می‌گردد.

در تاریخ هفتم و یازدهم آذرماه، سرکوبگران رژیم با زور و فشار از مردم روستاهای "شیخه کهره" و "دوری" خواستند تا برای آنان چوب به پایگاه حمل کنند. زحمتکشان ضمن خود داری از هر آوردن خواست مزدوران نسبت به آن اعتراض کردند و انجام آنرا به خود آنها واگذار نمودند.

هجرت در تاریخ چهاردهم آذرماه، گروه ضربت "سروآباد" به روستای "الطنه" یورش برده و چند نفر از اهالی را بازداشت کرده و با خود می‌برند. اهالی روستا نسبت به این حرکت ارتجاعی اعتراض کرده و مزدوران را وادار به آزاد کردن دستگیر شدگان می‌کنند.

در این اواخر نیز سرکوبگران رژیم، از طریق شوراها و اسلامبول روستاهای "عصر آباد"، "سهله سی"، "چاولکچی" و "ره‌دهی"، "موکدا" اعلام کرده‌اند اهالی روستاهای فوق بایستی در روستای "وه‌هه" -

مریوان

سرکوبگران مزدور طی یک حمله وحشیانه به روستای "نومار" در یکم آذرماه، چهار نفر از زحمتکشان این روستا را دستگیر نموده و همراه خود به شهر مریوان می‌برند. اهالی روستا نسبت به این حرکت مزدوران دست به اعتراض می‌زنند و خواستار آزادی دستگیر شدگان می‌شوند. مزدوران بعد از سه روز، وادار به آزادی سه تن از دستگیر شدگان می‌گردند. روستائیان برای آزادی نفر چهارم به شهر مریوان می‌روند و بصر خواسته خود پای می‌نشانند، اما سرکوبگران در مقابل آزادی او از توده‌ها می‌خواهند تا علیه جنبش انقلابی و علیه پیشمرگان شعار بدهند. زحمتکشان روستا در پاسخ مزدوران با قاطعیت می‌گویند اگر او را اعدام هم بکنند جنبش کاری را نمی‌کنیم.

نهم آذرماه نیز روستای فوق مورد هجوم مزدوران واقع

☆ اخبار جنبش توده‌ای

به دنبال خیاره باران روستای دیولسوره توسط مزدوران سرکوبگر در تاریخ چهارم دیماه، اماکن صحنی روستائیان به شدت آسیب دید و خسارات فراوانی به اهالی این روستا وارد آمد. روستائیان زحمتکش که از دست جنایات متعدد رژیم جمهوری اسلامی جانشان به لب رسیدند است، خشمگین نسبت به این عمل وحشیانه دست به اعتراض زدند. اهالی زحمتکش روستا، فردای آن روز یعنی پنجم دیماه بطور دسته جمعی به طرف روستای "خناره" که یکی از مراکز مهم نظامی رژیم در آن واقع است، راهپیمایی می کنند و متحداً به اعتراض بر می خیزند و روز ششم دیماه را نیز به حرکت اعتراض آمیز خود ادامه می دهند. خبر حرکت اعتراضی اهالی روستای "دیولسوره" به طرف روستای "خناره" و پایگاه نظامی رژیم به سرعت در منطقه می پیچد و همچون طوفانی روستاهای منطقه را در بر می گیرد. زحمتکشان منطقه با احساس همدردی در قبال اهالی روستای "دیولسوره" و عمل انقلابی آنان، واکنش فعال نشان می دهند. بسیاری از اهالی روستاهای "قاسبله"، "کساره لنگ"، "کوله"، "ونگه لان" و "گیلی گران" و همچنین عده ای از اهالی شهر سردوان به پشتیبانی از حرکت انقلابی مردم روستای "دیولسوره" خود را به روستای "خناره" می رسانند و با شرکت خود در این حرکت آنچنان اعتراض متحد و یکپارچه و گسترده ای را شکل می دهند که پشت همه مزدوران با تمامی ساز و برگ نظامی شان به لرزه می افتد.

مزدوران در هر اس از هر چه گسترده تر شدن این حرکت انقلابی، ضمن آنکه ترس و وحشت سراپای وجودشان را فرا گرفته بود، با دستپاچی تمام به فکر چاره می افتند. نیکوکاران مزدور که جرات کمترین مقابله ای را با توده ها در خود نمی دیدند و از هر گونه تحریک سرکوبگرانه ای عاجز و ناتوان مانده بودند، به حیل و نیرنگ متحرک شدند. آنان در میان مردم شایعه پراکندند که روستای "دیولسوره" مورد حمله قرار گرفته و مزدوران در آنجا به

گشتار و سرکوب مشغولند. اهالی روستاها که این خبر را می شنوید برای کمک و همکاری به مردم روستای "دیولسوره" به طرف این روستا حرکت می کنند و بدین شکل تجمع آنان پراکنده می گردد.

سندج

چندی پیش افرادی که در روستای "وشنفر" در بخش "کلا ترزان" تحت زور و اجبار صلح شده اند، دست به اعتراض زدند. مزدوران رژیم که مذبحخانه تلاش می کنند روستائیان را به زور سر نیزه به نفع خود به تسلیم وادارند، در اکثر موارد با شکست روبرو گشته اند، و اما در موارد بسیار محدودی که توانسته اند تحت شرایط زور و سرکوب تعدادی از روستائیان را به تسلیم وادارند، همواره تلاش نموده اند تا هر چه بیشتر از انرژی و نیروی آنان به نفع خود استفاده نموده و آنان را در چارچوب عمومی مقررات مورد نظر خود در آورند. در همین رابطه با تحت فشار قرار دادن این افراد در روستای فوق، از آنان خواستند تا بر ساعات نگهبانیان بیفزایند و وقت بیشتری را بدان اختصاص دهند. اما روستائیان نیز که هیچگونه رغبتی به داشتن سلاح رژیم نداشته و ندارند و صرفاً تحت فشار مداوم و سرکوب و وحشیانه موقتا به چنین امری تن داده اند، زیر بار این خواست مزدوران نرفته و همراه با خانواده های خود به شهر مندج می روند و با تجمع در مقابل مقر واحد بسیج روستا دست به اعتراض می زنند و مزدوران را واسی دارند تا از خواست خود دست بکشند.

سندی پیش، اهالی روستای "دادانه کسانگر" ضمن صدور یک قطعنامه خواستار پایان یافتن درگیریهای میان حزب دمکرات و کوهله شده بودند. مزدوران که از این مسئله اطلاع یافتند درگیریها را به زیان خود می بینند به روستای فوق یورش می آورند و آنان را تهدید به قطع کوشهای خواربار و سایر ضروری زندگی روزمره می نمایند. اما تهدیدات مزدوران بلا اثر مانده و اعتراض اهالی موجب عقب نشینی آنان می شود.

و در نظر از اهالی روستای

"رانیکر" پس از آنکه مورد ضرب و شتم سرکوبگران قرار می گیرند، به مرکز نظامی رژیم واقع در روستای "نگل" انتقال داده می شوند. روستائیان پس از اطلاع از این مسئله ضمن اعتراض بدو نفر را به عنوان نماینده به روستای "نگل" اعزام می دارند و موفق به آزاد نمودن دستگیرشدگان می گردند.

چندی پیش زنان و مردان روستای "گران پاتین" در منطقه ساران نیز مورد آزار و شکنجه گری های رژیم قرار گرفته و تعدادی از آنان با چشم های بسته به پایگاه سرکوبگران انتقال می یابند. روستائیان با برپا داشتن یک حرکت اعتراضی یک باره توانستند دستگیرشدگان را باز پس بگیرند، و اما فرمانده مزدور پایگاه روز بعد رفت و آمد اهالی را ممنوع اعلام کرد. روستائیان در اعتراض به این مسئله بطور دسته جمعی به شهر مندج می روند و با تجمع در مقابل فرمانداری و باشگاه افسران خواهان برچیده شدن پایگاه مزدوران از روستای خود می شوند.

همچنین در نیمه اول آذرماه، سرکوبگران رژیم طی یک حملنه غافلگیرانه به روستای "کوله" در منطقه "سارال" شش نفر از جوانان روستا را دستگیر نموده و همراه خود می برند. دستگیرشدگان پس از چند روز متوقف می گردند از چنگ مزدوران فرار کنند.

دیواندره

سرکوبگران رژیم جمهوری اسلامی، این جانان مزدور، با زهم دست به جنایت زدند و نمونه دیگری از دناقت و سفاکی خود را به نمایش گذاشتند.

در تاریخ بیست و چهارم آذر ماه، سرکوبگران مزدور با دوازده خود روز از نیروهای خود به روستای "قوچاخ" در منطقه "هه وه تو" یورش برده و خانه یکی از بارزین خلق کرد بنام کاک جلال را در این روستا به محاصره در آوردند. مزدوران سپس با ضرب و شتم افراد خانواده، سراغ کاک جلال را می گیرند و چون پاسخ مثبتی دریافت نمی کنند در کمال وقاحت و وحشیگری طبیبی را دور کردن همرا کاک جلال حلقه نموده و ضمن تهدید او به سرک سراغ موهرش را می گیرند، ولی از این کار هم سودی عایدشان نمی شود.

☆
اخبار جنبش نوده ای

سرانجام و پس از تفتیش خانه او را می یابند و در همانجا بطور وحشیانه و خشونت آمیزی بضمارت می رسانند و اسواول ناصبرده را نیز به غارت می برند .

زحمتکشان منطقه ضمن برپا داشتن مراسمی به مناسبت شهادت او، نسبت به این عمل درضمانه اعتراض می کنند و چندروز بعد صدها تن از اهالی منطقه همه وه تو" و "تیله کو" و همچنین اهالی روستاهای "کوسه سی" "سی نمایان" "قوچاخ" "کاتی شیرین" "سیری یائین" و "مران یائین" و چند روستای دیگر منطقه، به شهر دیواندره میروند و با تجمع در مقابل بخشداری و مققر سیاه پاسداران این شهر طی سه روز ضوالی یعنی روزهای دوازده تا چهاردهم دیماه، این عمل فاشستی جنایتکاران را محکوم نمود و خواستار مجازات عاظین آن می شوند. آنان همچنین خواستار برگرداندن اسواولی که توسط مزدوران به غارت برده شده است می کردند .

سقر

در تاریخ بیست و چهارم آذرماه، عده ای از سرکوبگران شهر بانه به روستای "هه رمی دوول" در منطقه سرشویسقر میروند و با همکاری مزدوران مستقر در این روستا، یک نفر از اهالی روستا را بازداشت می کنند. این عمل مزدوران مورد اعتراض اهالی واقع می شود و مردم خواستار آزادی وی می گردند. مزدوران سرکوبگر با تیراندازی و زخمی کردن افراد صمی در پراکندن اهالی می کنند، اما زحمتکشان تا آزادی فرد دستگیر شده به اعتراض خود ادامه می دهند.

همچنین سرکوبگران رژیم در تاریخ اول دیماه، روستای "شیبانه جو" در منطقه سرشویسقر را مورد حمله قرار داده و ضمن اعمال سرکوب تعداد زیادی از اهالی را بازداشت می کنند و از بازجویی از آنان چهار نفر

را زندانی کرده و بقیه را آزاد می کنند. اهالی روستا نسبت به این حرکت اعتراض کرده و خواستار آزادی دستگیرشدگان می گردند و در نفر را به عنوان نماینده به پایگاه می فرستند تا این خواست را به مزدوران ابلاغ کنند. اما مزدوران دو نطینه راه با چشم بسته به درون پایگاه هدایت می کنند، و در همان حال افراد دستگیر شده را به شهر بانه انتقال می دهند .

ربط

در تاریخ بیستم آذرماه، سرکوبگران مستقر در پایگاه "شده سوله" به طرف یک نفر از اهالی زحمتکش این روستا تیراندازی کرده، و او را به شدت زخمی می کنند .

همچنین تعدادی از جاشرهای مزدور منطقه "مرگور" ارومیه، با هدف جنایت و سرکوب توده ها و خنثی کردن برای رژیم به منطقه ربط می روند. مزدوران خود فروخته در شب ششم دیماه با حمله وحشیانه به روستای "وسوگسل" به داخل خانه ها ریخته و بازور اسلحه سیاکشیی خانه ها را بیرون می آورند و به تفتیش خانه ها می پردازند. مزدوران ضمن این خانه گردی در حالیکه جویای اسلحه می شوند، به دزدی و غارت اسواول روستائیان می پردازند و هر چه دم دست شان می آید چپاول می کنند. این عمل وحشیانه مزدوران مورد اعتراض زحمتکشان روستا قرار می گیرد و هرچند که مزدوران در قبال این اعتراض بر شدت فشار و سرکوب خود می افزایند، اما روستائیان همچنان به اعتراضات خود ادامه می دهند .

بانه

ساعت نه شب سوم دیماه، عده ای از جاشرهای خودفروش گروه ضربت بانه، به منظور اخاذی و غارت اسواول روستائیان، به روستای "کریم آباد" واقع در سه کیلومتری شهر بانه میروند و از آنجا که روستائیان از این موضوع اطلاع یافته بودند، قبل از ورود این

دزدان جنایتکار به روستا، راه را بر آنها می بندند و به آنان ایست می دهند. مزدوران که غافلگیر شده بودند، به صد فریب روستائیان، بیشرمانه خود را پیشمرگه مصرفی می کنند. اما مردم که آنان را شناخته بودند، فریب نخورده و با اسلحه شکاری به سوشان شلیک می کنند. سرکوبگران دزد و جنایتکار که اوضاع را وخیم می بینند، برای نجات جان خود و یا هدف ترساندن اهالی طرح می کنند که گروه ضربت هستند. اما روستائیان همانند به تیراندازی علیه آنان ادامه داده و مانع ورودشان به روستا می گردند و آنان را مجبور به عقب نشینی می کنند .

روز بعد، چند خود رویراز مزدوران رنگارنگ رژیم به روستای فوق حمله می برند، و با اعمال خشونت و سرکوب نسبت به اهالی، شتر نفر از آنان را بازداشت کرده، اسلحه آنان را سرگیرند و این زحمتکشان را با خود برده و زندانی می کنند. اما اهالی زحمتکش روستا در قبال این حرکت ارتجاعی دست به اعتراض می زنند و خواستار آزادی دستگیر شدگان می شوند، و انقدر بر خواست خود پای می فشارند تا دستگیر شدگان بالاخره آزاد می گردند .

همچنین در تاریخ سوم دیماه یکی از سرسپردگان رژیم بنام صلاح عبدالله صوری که در خیانت و خود فروشی شهرت فراوانی دارد، از طرف شورای روحانیت شهر بانه، به اتفاق حاجی زاده یکی دیگر از مزدوران از طرف جهاد سازندگی این شهر، در جلسه ای بهمراه ملاها و شوراهای روستاهای منطقه بانه مذبحخانه تلاش کردند تا به تحمق و فریب اهالی پرداخته، و برای جبهه های جنگ ارتجاعی ایران و عراق تأمین نیرو کنند. مزدوران در این جلسه از شوراها خواستند تا توده ها را به ترفیب و تشویق وادارند و از آنان بخواهند که فرزندانشان را به سرسبازی بفرستند. مزدوران جنایتکار که برای دست یابی به اهداف ارتجاعی رژیم به هرگونه حیل و

☆ اخبار جنبش توده‌ای

نیرنگی توسل می‌شوند، از حلقه مطرح نبودند جوانانی که به مبارزی بروند، پس از جبهه یا هزینه دولت برای زیارت مرقد امام رضا به مشهد اعزام می‌شوند. اما توده‌های انقلابی خلق کرد آگاه‌تر از آنند که فریب چنین شیادی‌هایی را بخورند، از اینرو این ترسند مزدوران نیز، سودی برای رژیم در برنده‌اشه است.

هچنین نیمه شب صبی ام آزماه، یکی از جاشرهای خود فروخته منطقه، بنام کریم کچل، به همراه دایر دسته خود تحت عنوان پیشمرگه به روستای "زراو پائین" یورش می‌برند، و اهالی را از خانه‌ها یا زور بیرون می‌کنند و از آنان پول می‌گیرند. زحمتکاران روستا که از رفتار و اعمال جنایتکارانه آنان به ماهیتشان پی برده‌اند، یکبارچه علیه آنان به مقاومت برخاسته و اعلام می‌دارند که پیشمرگه هیچوقت چنین کارهایی را نمی‌کند و این اعمال تنها از شما جاشرهای خود فروخته بر می‌زند؟ مزدوران که اوضاع را به ضرر خود می‌بینند، فرار را بر قرار ترجیح داده و فرار روستا را ترک می‌کنند.

مزدوران و خائنین که برای ضربه زدن به پیشمرگان و بدنام کردن آنان از هر فرصتی استفاده می‌کنند، تحت عنوان پیشمرگه دست به هر عمل جنایتکارانه می‌زنند، به انواع و اقسام حرکات ارتجاعی علیه توده‌ها توسل می‌شوند، تا به خیال خود نظر توده‌ها را از نیروی پیشمرگه برگردانده، و حمایت آنها را از پیشمرگه متوقف نمایند. این مرتجعین جاهل، غافل از آنند که توده‌ها فرزندان خود راه‌نیروی پیشمرگه را، مدت‌ها است که می‌شناسند. در همین رابطه در تاریخ ۱۷/۱۰/۶۴ دو مورد صلح در راه "کوچ حطی" که در فاصله یک کیلومتری پایگاه "تاوه بان" قرار دارد، جلوس گرد گامبی را می‌گیرند و با زور و تهدید مبلغ پانزده هزار تومان پول از او می‌گیرند. آنها بعد از اخاذی، خود را پیشمرگه معرفی می‌کنند.

چندی پیش، شخصی بنام حاج

عبدالله فرجی، به همراه چهار نفر دیگر از اهالی روستاهای "مچه" و "چروتر" به بهانه نیابت نامی با یکی از پیشمرگان کوه له، توسط سرکسگران جمهوری اسلامی دستگیر شده و مورد ضرب و شتم انسان واقع می‌گردند. مزدوران پس از انتقال این افراد به مرکز "آمرده" و روشن شدن هویتشان، و اینکه آنان کشاورز و اهالی روستا هستند، آنها را آزاد می‌کنند. بدنیال آزاد شدن این افراد، اختلافات میان پایگاههای داخل روستای "تاوه بان" و پایگاه دیگری که پشت این آبادی واقع است، شدت یافته و منجر به درگیری میان آنان می‌شود. دو پایگاه درگیر به جان هم می‌افتند و از کلبه سلاح‌های خود علیه یکدیگر استفاده نموده و با شدت به مدت دو ساعت به کوبیدن یکدیگر ادامه می‌دهند. در اثر این درگیری حداقل دو نفر از مزدوران پایگاه داخل روستای "تاوه بان" به شدت زخمی می‌شوند.

حقاتب این درگیریها گروه ضروت شهر بانه، به پایگاه "تاوه بان" و به دیگر پایگاههای اطراف سرکشی می‌کنند و فرمانده پایگاه پشت روستای "تاوه بان" را دستگیر نموده و همراه خود به شهر می‌برند. فرمانده مزدور فسوق پس از صدت کوتاهی آزاد گشته و به محل کار خود بر می‌گردد. این مزدور پس از آنکه دوباره در همان پست سابق خود ابقا می‌شود، بر شدت سرکوب توده‌ها و اعمال وحشیگری و خشنونت نسبت به مردم زحمتکش منطقه می‌افزاید.

هچنین مدتی پیش، درگیری مشابهی میان پایگاهها "نویه" در همین منطقه، ایجاد شده است. این درگیری‌ها که نشانگر رشد تضادهای درونی رژیم و اختلافات میان عصاب رژیم است، در عین حال مبین گعجی و سردرگمی و خصوصا "ناشوانی" آنان در مقابله با جنبش توده‌ای و انقلابی خلق کرد می‌باشند.

اخیرا" دانه ناراضیانی در صفوف مزدوران رژیم شدت گرفته و به اشکال مختلف امکان بروز یافته است. درگیری میان خود مزدوران، پاسداران و ارتشیان، کوبیدن پایگاه‌های رژیم توسط یکدیگر، گشته شدن سربازان به دست فرماندهان و بالاخره خودکشی از جمله اشکال انعکاسی چنین جو ناراضیاتی و فضای

نارضایتی برای کلیت مزدوران رژیم در کردستان است. این چنین جو ناراضیاتی در میان مزدوران، که از سؤتی بازتاب مشکلات ناشی از ماندن در کردستان و عملکرد ضد انقلابی فرماندهان مزدور، نظم بورژوازی پیوسته و فضای حاکم بر اینگونه ارگان‌هاست، از سوی دیگر بیاتگر و ورشکستگی و زونی مزدوران در قبال جنبش رشد یابنده انقلابی خلق کرد می‌باشد، انعکاس خود را در حوادثی نظیر نمونه زیر آشکار می‌سازد.

در تاریخ چهارم دی ماه، یک نفر از سربازان پایگاه پشت آبادی "تاوه بان" که چند بار تقاضای مرخصی کرده بود و هر بار با مخالفت فرماندهان مزدور خود روبرو گشته بود، هنگام صبح موقع رفتن به تاحسن نزدیک پایگاه، گلوله‌ای به مغز خود شلیک نمود و به زندگی خود خاتمه می‌دهد. روحیه ضعیف اکثر سربازان مستقر در این پایگاه، بعد از این حادثه، باز هم ضعیف‌تر شده است.

بدنیال تخریب تمسداد زیادی از روستاهای مناطق مختلف کردستان توسط مزدوران رژیم سرکسگر جمهوری اسلامی، بسیاری از روستاهای منطقه بانه نیز مورد تهدید واقع گشته، و اخطارهای تخلیه گرفته‌اند. مرتجعین طی یکماه گذشته نیز بر سیاست ارتجاعی تخلیه اجباری و تخریب روستاها، هچنان پافشاری نموده‌اند و در پی این هستند تا ارتجاعی، سیاست جنایتکارانه خود را به اقصی نقاط کردستان و خصوصا "مناطق مرزی تعمیم بخشیده‌اند. بعد از تخریب و پنا تهدید به تخلیه بسیاری از روستاهای مناطق مهاپاد، سرشهر سقز، اشنویه، نقده، بوکان و... مناطق بانه نیز در معرض اعمال چنین سیاستی قرار گرفته است.

چندی پیش، مزدوران متشکل در ارگان‌های حکومتی، خصوصا "سیاه پاسداران منطقه، از طریق فراخوان شوراها و آخوندهای روستاها، بر تخلیه مناطق "خله رش"، "چهارتک" و بخشهایی از روستاها و کوچ‌های "آمرده" تاکید ورزیده‌اند. سرکسگران هچنین با پخش اعلامیه در شهر بانه و تسوابع آن، برای تخلیه روستاهای مناطق مذکور، که عموما "مناطق مرزی بوده و هچنین مناطقی نسبتا" امنی برای پیشمرگان محسوب می‌شود، ضرب‌العجب تعیین نموده و به اهالی این

اخبار جنبش توده‌ای

سردشت

اخیراً تعدادی از جاشهای خودفرخته منطقه شمال کردستان به منطقه سردشت و ربط انتقال داده شده اند، تا به اعمال سرکوب نسبت به مردم منطقه بپردازند. ضمن آنکه پایگاه های جدیدی برای این مزدوران تأسیس شده است، تعدادی از آنان نیز بین روستاهای مختلف تقسیم شده اند و در مواردی یا زور در خانه های مردم سکنی گزیده اند.

پیرانشهر

در تاریخ هجدهم آذر ماه، پاسداران سرکوبگر به همراهی تعدادی از جاشهای خودفرخته در فاصله میان دو روستای "قوره خضر" و "توراله"، به چیرمان زحمتکشی بر می خوردند و در نهایت وحشیگری او را به باد کتک می کردند. مزدوران جنایت پیشه که در اعمال جنایت و وحشیگری روی هم شده سفاکان تاریخ را صغیر کرده اند، این فرد روستائی را به داخل رودخانه می اندازند و برای آنکه حتماً او غرق شود، سنگ بزرگ و سنگینی را بر روی سینه او قرار می دهند و بدین شکل او را به شهادت می رسانند.

در تاریخ بیست و دوم آذر ماه، نیز روستاهای "برده قوره" و "گشت گنمان" از سوی مزدوران سرکوب حمله واقع گشته و به محاصره در می آید. سرکوبگران بعد از محاصره روستاها و خشیانه به تیراندازی به سوی اهالی می پردازند به ارباب و وحشیگری دست می زنند و فردی بنام حسین را در روستای "گشت گنمان" به داخل تنگور انداخته و او را می سوزانند.

همچنین در تاریخ ششم دیماه، روستاهای "کونه کچ" و "کرم دار"، "سرتیر" و "گرده شنیان"، "طام ههیه"، "شکراوی" و "بازگان" در منطقه "نه لین" مورد حمله و خشیانه سرکوبگران قرار گرفته، و اهالی این روستاها نیز مورد ضرب و زخم قرار می گیرند.

مهاباد

مزدوران سرکوبگر در تاریخ هفتم دیماه، روستای عیسی - کند در منطقه چوم مجیدخان را محاصره نموده و با اسلحه سنگین به شدت آنها را کوبیدند. در اثر این عمل جنایتکارانه، چند نفر زخمی شده و خسارات

بدنیال شدت یابی اختلافات میان دوسریاز با فرماندهی مزدورشان در منطقه "سوسینی" سردشت که ضجر به کشته شدن سربازان می شود، مزدوران رژیم در تاریخ بیست و دوم آذر ماه، در محلی بنام "کولکه رفته"، جلو وسیله نقلیه ای را که عازم روستاهای "قله رفته" و "پیران" بوده است می گیرند، جان صافترین می افتند و با طرح اینکه دو سرباز فوق توسط پیشمرگان و یا مردم منطقه کشته شده اند، دو نفر از صافترین را که اهل روستای "پیران" بودند، در مقابل چشم بقیه تیرباران می کنند. در همین رابطه مزدوران جنایتکار روستای "پیران" را مورد هجوم و خشیانه خود قرار می دهند و ضمن ضرب و شتم اهالی یک نفر از روستائیان را از پشت بام به پائین پرت می کنند.

در تاریخ هفتم دی ماه، سرکوبگران متعمر در پایگاه "زیوه" به طرز وحشیانه ای به این روستا حمله می کنند. آنان ضمن تیراندازی های مکرر هوایی و ایچاد جو رعب و وحشت، با هدفش هر چه تمام تر به سرکوب و ضرب و شتم اهالی می پردازند و به تخریب و از میان بردن ازوقه و وسائل خانوادگی های پیشمرگان می پردازند و دست آخر آنان را با زور سرنیزه و تیراندازی های بی دریغی به پایگاه می برند.

چهاردهم دیماه بر اثر انفجار مین مزدوران در محلی بنام "گشت سیاوان" یکی از اهالی زحمتکار روستای "زیوه" بنام ابراهیم عباسی، جان خود را از دست می دهد.

همچنین در اواخر آذر ماه، دو سر بچه در روستای "تورول" هنگام بازی، یک گلوله اسلحه کالیبر ۶۹ را پیدا کرده و آن را در آتش می اندازند، که پس از صدتی گلوله منفجر می شود دو سر بچه را کشته و سه نفر دیگر را نیز زخمی می کند.

به دنبال یک سری عملیات قهرمانانه پیشمرگان در تاریخ بیست و یکم دیماه در روستای "میشه خیدر" تلفات و خسارات زیادی به مزدوران سرکوبگر وارد آمد. سرکوبگران مزدور، طبق معمول همیشگی خود، برای جبران لطافت وارده، به سرکوب و وحشیگری نسبت به روستائیان می پردازند.

ضاطق، تا اوایل بهار سال ۶۵ فرصت داده شده است تا روستاهای خود را تخلیه نمایند، در غیر این صورت این روستاها توسط مزدوران تخریب و یا به آتش کشیده خواهد شد. هم اکنون روستاهای "چومان"، "سرسوله"، "زله"، "برده رش"، "گور و پالتا"، "گلنه سوره"، "ماله دون"، "گاسو"، "انجینه یالا"، "انجینه پائین"، "گوره دار"، "سوجه"، "چسروش"، "خرجک"، "دونسر"، "کانی ابراهیم"، "کوخ های آسیاب"، "سازه بان" و "کوخ های تیروان" که در منطقه "خله رش" و "آرمده" قرار دارند، و همچنین روستاهای "سارتکبالا"، "پائیز آواز"، "گنده شین"، "ریکه"، "ویسک"، "ورچک" و "زرک" از منطقه "چم سارتکه" و چندین روستای دیگر در معرض تخلیه و تخریب قرار دارند.

رژیم که همواره به شکل ضدبوحانه ای تلاش نموده است که عرصه زندگی را هر چه بیشتر بر توده های انقلابی خلق کرد و خصوصاً پیشمرگان قهرمانان آن تنگ تر نماید، با ایچاد انواع و اقسام محدودیت ها و اعمال خشن ترین سرکوب ها، کشیده است تا پیشمرگان را از توده های انقلابی جدا سازد، تا جنبش انقلابی را هر چه بیشتر در منگنه کنترل خود قرار دهد. مزدوران رژیم که از مقابله با توده ها و پیشمرگانی که امکان تحریک و تانور در روستاهای متعدد و پراکنده را دارند ناتوانند و همچنین از حمایت و پشتیبانی مردم این مناطق بعنوان پشتوانه مهمی برای مبارزه انقلابی پیشمرگان و ادامه آن آگاهند، به خیال آنکه بتوانند از تحریک پیشمرگان بکاهند و امنیت پایگاههای خود را تأمین نمایند، بر آنند تا اهالی روستاهای فوق را مجتمع و متمرکز نمایند و آنان را در روستاهای بزرگ و یا شهرک هایی که خود بر آنها تسلط نسبی دارند، اسکان دهند.

اطا به رغم همه این تهدیدات و سرکوبهای جنایتکارانه رژیم، بر طبق گزارش های رسیده، اهالی روستاهای فوق از روحیه خوبی برخوردارند و از هم کسوتن خود را برای مقابله با مزدوران آماده نموده اند.



اخبار جنبش توده‌ای

یالی فراوانی به اهالی وارد آمد. مزدوران همچنین با تیراندازی بر روی اهالی، یک نفر از آنان را به شهادت رساندند.

سرکوبگران که طی این اعمال وحشیانه، زبونی خود را از درگیری و مقابله روبروی بسا پیشمرگانی که در اطراف این روستا حضور داشتند، بسه نمایش گذاشتند. روز بعد نیز طی یک حمله وحشیانه بسه داخل روستا، به اعمال خشونت و سرکوب نسبت به اهالی می‌پردازند و عقاب‌پر زبندی پسرول و کلا غارت کرده و چهار نفر از روستائیان را بازداشت می‌کنند و با خود می‌برند.

در تاریخ یازدهم دیماه، تعدادی از جاشرها و پاسداران میاندواب، جهت ضربه زدن بسه نیروهای پیشمرگه به روستای "قره گل" در منطقه "چوم مجیدخان" یورش می‌برند، و با رفتاری وحشیانه و خشونت آمیز نسبت به اهالی، بسه تقشیر خانه‌ها می‌پردازند. مزدوران چند ساعت در روستا می‌مانند تا بلکه نیروهای پیشمرگه را بدماندازند، اما سرانجام این نتیجه برسرگردد.

بعد از ظهر هفت روز، مزدوران

معدداً به روستای فوق حمله می‌برند، و از آنجا که از وجود پیشمرگه در روستا اطلاع یافته بودند، تقشیر و خانه‌گردی را از سر می‌گیرند و بالاخره خانه یک پیشمرگه را به محاصره خود در می‌آورند. مزدوران بسا تنگ‌تر نمودن حلقه محاصره، اعضا خانواده پیشمرگه را دستگیر نموده و با استفاده از آنها به عنوان بستر و سیر اعلام می‌کنند: "اگر تسلیم نشوی آنها را می‌کشیم." اما پیشمرگه قهرمان با هوشیاری تمام و یک حمله جسورانه دو تن از مزدوران را به هلاکت رسانده و اعضا خانواده خود را از چنگ مزدوران در می‌آورد. مزدوران برای به تسلیم واداشتن او، خانداش را به آتش می‌کشند و از اهالی روستا بعنوان سیر استفاده می‌کنند، اما هیچک از این دستاویزها مفید واقع نمی‌گردد.

پیشمرگه قهرمان همچنان به مقاومت خود ادامه داده و پس از دو ساعت مبارزه دلاورانه، با شلیک آخرین گلوله در مغز خود به شهادت می‌رسد.

ارومیه

در تاریخ هفتم آذرماه، عده‌ای از جاشرهای مزدور در محلی به نام "گلی بی نار" سر راه صردم را گرفته و با نسام پیشمرگه از آنان اخاذی می‌کنند.

خواست ارتجاعی، مقاومت نموده و صدها نفر از آنان دست به اعتراضات گسترده‌ای می‌زنند و با برپا کردن تظاهرات علیه مزدوران، اقدام به دادن شعار می‌نمایند. جاش‌های مزدور و خود فروز، برای برانگیزه نمودن اعتراض کنندگان، وحشیانه به آنان حمله می‌برند و تعدادی را دستگیر می‌کنند. اما اهالی خشمگین روستا، با سنگ و چوب به جاشها حمله ور می‌شوند، و مزدوران را به عقب‌نشینی وادار می‌نمایند.

چند روز بعد از این حرکت اعتراضی گسترده، سرکوبگران با نیروی زیادتری به روستا یورش می‌برند، و طی یک سری اعمال خشونت‌آمیز و با اعمال زور و سرکوب و همچنین با تیراندازی و نیرنگ و ایجاد دوستگی در میان

اعتراضات توده‌ای علیه تسلیح اجباری

سنندج

چندی پیش سرکوبگران رژیم در یک حمله وحشیانه به روستای "شویشه" ضمن اعمال زور و تهدید نسبت به اهالی، از آنان می‌خواهند که به نفع رژیم تسلیح گردند. اهالی زحمتکش این روستا، در مقابل این

مزدوران غارتگر، در تقسیم زور اخاذی شده یا هم درگیری نهند، که یک نفر ز آنان به قتل می‌رسد.

همچنین مزدوران غارتگر رژیم در تاریخ یازدهم آذرماه، بسه روستای "ناری" در منطقه "مرگور" یورش می‌برند و تحت عنوان پیشمرگه از اهالی روستا پول می‌گیرند. سپس پاسداران ارتجاع یا کمال و قاحت و بیشرمی در بلندگوهای خود اعلام می‌کنند که پیشمرگان به روستای "ناری" رفته و از مردم به زور پول گرفته‌اند.

اورامان

منطقه اورامان همچنان زیر آتش توپ و خمپاره بی وقفه مزدوران رژیم است.

در تاریخ بیست و پنجم آذرماه، شهر نوسود توسط سرکوبگران جمهوری اسلامی به توپ و خمپاره بسته می‌شود، که طی آن خسارات زیادی به اماکن مسکونی شهر وارد می‌شود، و یک دختر بچه نیز به شدت زخم بر می‌دارد.

در تاریخ یازدهم و بیست و یکم دیماه نیز، توپ و خمپاره باران این شهر از سر گرفته می‌شود. سرکوبگران طی این اعمال وحشیانه خود، خسارات مالی بجایی بازهم بیشتری را بر اهالی این شهر وارد می‌آورند. در اثر این عمل ارتجاعی رژیم چند نفر زخمی و یک نفر به شهادت می‌رسد.

مردم موفق می‌شوند تعدادی از اهالی را موفقاً به تسلیح وادارند.

سقز

سرکوبگران رژیم جمهوری اسلامی، مدتی است اهالی روستای "مله" در منطقه خور خورده سقز را، به منظور تسلیح اجباری تحت فشار قرار داده‌اند. مزدوران روستائیان را تهدید کرده‌اند که چنانچه از تسلیم خود داری کنند، بایستی روستا را تخلیه نموده و به روستاهای اطراف یا مناطقی که خود رژیم تعیین کرده است کوچ کنند. از بسه تذکر است که در چنین روستاهای قبی، رژیم از پایگاه‌های



اخبار جنبش توده ای

برخوردار است و بر آن تسلط دارد. در برابر تهدیدات مزدوران زحمتکشان دست به اعتراض زدند و اعلام می دارند که "نه صلح می شویم و نه روستا را تخلیه می کنیم، حتی اگر خانه هایمان را ویران کنید. حاضر به تخلیه روستا نیستیم".

مهاباد

در تاریخ دوازدهم دیماه، روستای "دی بکر" در منطقه منگور آ مهاباد، به منظور تسلیح اجباری، مورد هجوم وحشیانه تعدادی از جاش های منگور قرار می گیرد. این مزدوران ضمن اعمال خشمونت و وحشیگری نسبت به اهالی، از آنان می خواهند به نفع رژیم صلح شوند و فرزندان خود را به خدمت اجباری بفرستند.

حوانات روستائی، برای آنکه به جنگ مزدوران نیفتند، قبل از ورود جاش ها به روستا، به کوهها

و پناهگاههای اطراف روستا می روند.

اعتراضات توده ای علیه سرانگیزی اجباری

پیرانشهر

در تاریخ دهم دیماه، مزدوران سرکوبگر رژیم روستاهای منطقه پیرانشهر را به محاصره درآورده و با ایجاد جوی خفغان آمیز در بسیاری از روستاها، وسیعاً دست به سرانگیزی می زنند. مزدوران افرادی را که سن شان بین ۱۸ تا ۲۵ سال باشد، بدون کترین معطلی دستگیر نموده، و روانه مراکز سرکوب خود می کنند. در همین رابطه حدود هفتاد نفر از جوانان روستاهای "خرابه"، "زنگیابی" و "جران" تا کون دستگیر شده و به یارگانها اعزام گشته اند. بسیاری از جوانان روستاهای این منطقه، برای آنکه به جنگ مزدوران نیفتند، خانه های خود را ترک کرده و یا وجود سرطای زمستان، آواره کوه ها شده اند.

دستفروشان در جواب فرماندار مزدور ضمن اعتراض می گویند: "اگر وضعمان از این هم بدتر شود حاضر نیستیم به نفع رژیم اسلحه برداریم"، سپس با اعتراض فرمانداری را ترک کرده و به سرکار خود برمی گردند.

در همین رابطه، در تاریخ چهاردهم دیماه، یک جاش خود فروش در جلو گاراژ تقی زاده در شهر سنندج برای چند نفر از دستفروشان ایچصار مزاحمت نموده، و در کار و کیش آنان اختلال می کند. دستفروشان نسبت به این عمل جاش مزدور اعتراض نموده و در ادامه با او درگیری می شوند. جاش مذکور پس از آنکه گشت طفلی نهر جان می کند، مجبور به فرار از محل می گردد.

لحظاتی بعد، یک دستماز یامسداران سرمایه به منظور سرکوب و بازداشت نمودن دستفروشان، به محل می آیند. اما دستفروشان در مقابل مزدوران دست به مقاومت می زنند و از حمایت و پشتیبانی توده های که مردم بر تعدادشان افزوده

مروان

سرکوبگران مستقر در روستای "ماسیدر" واقع در منطقه سرنیو مروان، شب نوزدهم دیماه روستای فوق را مورد حمله قرار داده و با تازجک - انداز و تیربار ۳۰ آنرا به شدت می کینند. روز بعد زحمتکشان روستا به پایگاه مزدوران رفته و به این عمل وحشیانه اعتراض می کنند. مزدوران سرکوبگر که از خشم و کینه اهالی به هراس افتاده و از گسترش اعتراضات اهالی بیم دارند، ارتکاب این عمل وحشیانه را به پایگاه "چناره" نسبت می دهند. اهالی روستا ضمن آنکه دروغ مزدوران را بساور نمی کنند، چند نفر ناپنده به پایگاه روستای "چناره" اعزام می دارند. فرمانده مزدوران پایگاه قول می دهد که خسارات وارده به روستای "ماسیدر" را جبران نماید، اما زحمتکشان از آنجا که با وعده های فریبکارانه مزدوران آشناست دارند، فریب وعده های او را نخورده و به اعتراضات خود ادامه داده اند.

می شود، برخوردار می گردند. مزدوران سرکوبگر، از ترس شکل گیری یک حرکت اعتراضی گسترده ناچار به ترک محل می شوند و به سوراخ های خود می خزند.

در تاریخ بیستم آذرماه، کلیه مستخدمین غیر رسمی مدارس روستاهای سنقر که تعداد آنها به هشتاد نفر می رسد، اخراج می گردند. مستخدمین اخراجی که هر یک چندین سال سابقه کار دارند، در برابر این عمل رژیم دست به اعتراض می زنند و خواستار برگشت به سرکار خود می شوند.

در تاریخ ۱۷/۱۰/۶۴ یک خود رو گشتی سپاه یامسداران هنگام عبور از خیابان ساحلی شهر سنقر نوجوان سیزده ساله ای را زیر گرفته و موجب مرگ او می شود. راننده مزدور پس از ارتکاب این جنایت، از ترس تجمع توده ها و خشم و کینه اعتراض آمیز آنان، توقف کرده و به سرعت از محل دوری شود. اهالی محل نسبت به این عمل جنایتکارانه که بارها میبارد مشابه آن نیز اتفاق افتاده است، دست به اعتراض زده اند.

چند خبر از

شهر سنقر

صدتی پیش مامورین شهرداری به همراهی سرکوبگران شهرستانی، به دستفروشان شهر سنقر حمله برده و ضمن بهم ریختن و تخریب ویلا قبل این زحمتکشان، آنان را روانه فرمانداری می کنند. زحمتکشان دستفروش که از فرط بیگاری، تورم افزار کبیخته و فشار گرانی، برای پیدا کردن لقمه ای نان بخور و نمیری به این کار روی آورده اند، به فرماندار مزدور می گویند: "در این وضعیت گرانی و قحطی مجبوریم دستفروشی کنیم تا برای خود و خانواده مان لقمه نانی پیدا کنیم و از گرسنگی نمیریم". اما فرماندار مزدور همچون دیگر عوامل رژیم که از هرفروشی برای پیشبرد اهداف و سیاست های ارتجاعی رژیم سود می جویند، در جواب آنها می گوید: "حق ندارید دست فروشی کنید، این دستور دولت است، اگر کسیار می خواهید، بیایید صلح شوید".

بمناسبت . . .

کشور امپریالیستی آمریکا را در یکبار دیگر این اصل مهم را که: هیچ قدرتی را یارای مقابله با نیروی متحد و متشکل توده های زحمتکش نیست به اثبات رساند. از همان آغاز، کارگران و زحمتکشان کوبا با شرکت فعال در امر انقلاب و پایه ریزی جامعه ای نو با ضابطه های نوین نظام پیوسته سرمایه داری را مورد محورش قرار دادند. حمایت وسیع مادی و معنوی توده ها از برنامه های انقلابی دولت در دگرگون ساختن مناسبات استثمارگرانه حاکم بر جامعه یکی از دلایل اساسی پیروزی قوامی انقلاب بود.

انقلاب استقلال، کاره ممکن و آزادی را برای توده ها به ارمغان آورد. از نظر سیاسی قدرت به دست توده های مردم بارهبری انقلابیون افتاد و توده ها حاکم بر سرنوشت خود شدند. در زمینه پیشبرد بیگانه ها مبارزه ضد امپریالیستی اقدامات زیر صورت گرفت:

اقتصاد تک محصولی کوبا که متکی به تولید نیشکر بود، با برنامه ریزی و بر مبنای احتیاجات توده ها و با پی ریزی صنایع مادر و اساسی به جای صنعت مونتاژ و وابسته دگرگون شد. از سرمایه داران و صاحبان صنایع بزرگ، خلق پید شد. کشت تک محصولی به کشت تنوع و متناسب با نیاز توده ها تغییر یافت. اصلاحات ارضی صورت گرفت و زمینهای آمریکائیان و وابستگان آنها مصادره و به زحمتکشان روستا واگذار گردید.

بدین ترتیب دست امپریالیستها بی هارتگر و سرمایه داران بزرگ وابسته از اقتصاد کوبا کوتاه زد. با برنامه ریزی دقیق اقتصادی، در دهه اول انقلاب، نه تنها بیگاری یکی از جامعه ریشه کن شد بلکه کشور انقلابی کوبا یا کمبود نیروی کار نیز مواجه گشت. نرخ اجاره مسکن از همان اول در حدی که توده های

زحمتکش به راحتی قادر به پرداخت آن بود نزول یافت و به تدریج همه مردم کوبا از مسکن مناسب برخوردار گشتند. در زمینه مبارزه با بیسواری انقلاب کوبا دستاوردهای عظیمی برای مردم جهان به ارمغان آورد. آموزش در همه سطوح حتی دانشگاهی رایگان و همگانی شد. تمام امکانات درمانی و بهداشتی در دست دولت قرار گرفت و ارائه خدمات درمانی، بهداشتی و رفاهی کاملاً رایگان شد. یکی از دستاوردهای مهم انقلاب کوبا که در عین حال از عوامل موثر در پیروزی انقلاب نیز به شمار می آید تسلیح توده های کارگر و زحمتکش و ایجاد ارتش خلقی باشد.

نطفه های ارتش خلق، چند سال پیش از انقلاب شکل گرفت. در بیست و ششم ژوئیه ۱۹۵۳ انقلابیون کوبا تحت رهبری فیدل کاسترو و چه گوارا با تحلیل از شرایط انقلابی حاکم بر جامعه، با حمله به مونتکادا، حمله مسلحانه ای را از کوههای سیرامیسترا علیه رژیم باتیستا آغاز نمودند. مبارزه مسلحانه انقلابیون با حمایت کارگران و زحمتکشان رو به رشد و صفوف انقلابیون با شرکت زحمتکشان این کشور در مبارزه، هر روز فشرده تر و نیرومند تر گشت. سرانجام پس از فرار باتیستا، وقتی نیروهای ارتش انقلابی وارد هاوانا شدند، ارتش ارتجاعی باتیستا که طی جوازات بی امان انقلابیون و توده های مردم نیرو و توان خود را از دست داده بود، بکلی از هم پاشید. بدین ترتیب زحمتکشان کوبا با ارتش حافظ ضافع سرمایه داران و امپریالیسم را درهم شکستند و ارتشی را که در جریان انقلاب شکل گرفته بود جانشین آن ساختند.

پس از انقلاب برای دفاع از دستاوردهای انقلاب و برای درهم شکستن مقاومت سرمایه داران خشنی ساختن توطئه های امپریالیسم آمریکا و مزدوران آن و حفظ حکومت انقلابی کوبا، ایجاد ارتش نوین توده ای ضرورت یافت. ارتشی که رژیم باتیستا را سرنگون ساخته بود نه از نظر نیرو و نه از نظر کارائی نظامی به تنهایی قادر به پیشبرد اهداف انقلاب یعنی حفظ حاکمیت

انقلابی برای برقراری حاکمیت کارگران و زحمتکشان و سپر استقرار سوسیالیسم نبود.

اولین ارتش انقلابی توده ای (میلیتیا) تنها ده ماه پس از انقلاب با شرکت صدها هزار تن از کارگران، دهقانان و روشنفکران زن و مرد کوبایی بوجود آمد، که همگی آنها ضمن فرا گرفتن فنون جنگی بیگانهگری صلاحهای جدید را نیز آموختند.

افسران این ارتش انقلابی چریکهای بودند که طی چهار سال مبارزه مسلحانه در شهرها روستاها و کوهها آبدیده شده بودند. آنها دسته های از کارگران کشاورزی، کارگران صنعتی، دهقانان و تبعیدستان شهری بودند که در عطیات چریکی تجاری غنی بدست آورده و از نظر نظامی کارائی های زیادی کسب کرده بودند. آری نخستین مدارس جنگ که توسط انقلاب کوبا ایجاد شده بود نخستین افسران را پرورش داده بود.

ارتش میلیتاری انقلابی در تمامی مناطق و در محیط کار و زندگی زحمتکشان شکل می گرفت و توده های مردم تحت آموزش سازمان یافته نظامی به همراه آموزش سیاسی - ایدئولوژیک قرار می گرفتند. کارگران در کارخانه ها، کاردهای صلح کارگری تشکیل دادند. در روستاها میلیتاری روستایی تشکیل شد و حفاظت از محصولات کشاورزان و مقابله با اقدامات خرابکارانه ضد انقلاب را بر عهده گرفت. در سواحل کوبا، پلیسهای ماهیگیران وظیفه داشتند که کشتیها و قایقهای دشمن را رو پایی کنند و با هوئیاری حرکات و نقل و انتقالات دشمن را زیر نظر بگیرند. در مدارس و دانشگاهها، دانش آموزان و دانشجویان دختر و پسر دسته های میلیتاری تشکیل دادند و به فراگیری فنون جنگی و کاربرد سلاح پرداختند.

به این ترتیب خلق کوبا متحد، متشکل و صلح آمادگی لازم را برای مقابله با هر توطئه ضد انقلاب بدست آورد. سرکوب نیروهای صلح دار و دسته باتیستا و عوامل زمینداران و سرمایه داران بزرگ در کوههای اسکامبرای

اساس انضباط در سازمان نیروهای مسلح انقلابی (ارتش کوبا) بر سائترالیسم دموکراتیک استوار بوده و اعمال می شود. آمادگی انتقاد و انتقاد از خود نیز به جدیت تمام اجرا می شود. وجود دو اصل فوق یعنی سائترالیسم دموکراتیک و انتقاد و انتقاد از خود کوچکترین لطمه از اصل فرماندهی واحد در ارتش خلق وارد نکرده است.

نیروهای مسلح انقلابی علاوه بر انجام وظیفه عمده بیان که دفاع از دست آورد های انقلاب و مقابله با هر نوع توطئه است امپریالیسم امریکاست در مبارزه برای توسعه اقتصادی و تحکیم ساختمان سوسیالیسم در طوسی بیست و شش سال گذشته مجدانه کوشش کرده اند. در یک کلام به جرئت می توان گفت که نیروهای مسلح انقلابی کوبا، یک ارتش انقلابی مردمی است که افرادش در به روز رسانی طبقه کارگر در بریکایی و استحکام ساختمان سوسیالیسم به پیش می رود.

در بیست و هفتمین سالگرد انقلاب کوبا یکبار دیگر ضمن گواشیداشت دستاوردهای درخشان آن از تجارب غنی انقلاب کوبا در سازماندهی مسلح توده های برای پیشبرد انقلاب خود بیاموزیم.

با اتکا به آمادگی رزمی توده های مردم و همبستگی خلق مسلح با ارتش مردمی است که طی بیست و شش سال حیات انقلاب، دولت کوبا توانسته است ضمن خنثی ساختن کلیه توطئه های امپریالیسم، به حراست از انقلاب خود بپردازد. از مبارزات انقلابی خلقهای نیکارگسوه، السالوا دور، کواتمالا و ... حمایت به عمل آورد.


انقلاب کوبا ساخت سیاسی و تکنیکال ارتشهای کلاسیک و بورژوازی را زیر و رو ساخت آموزش سیاسی ایدئولوژیک مقدم بر آموزش نظامی برای ارتقا آگاهی و تضمین موفقیت عملیات نیروهای نظامی قرار گرفت. موفقیت در هر دو زمینه اجرای مأموریت و آموزش مستلزم مطالعه سیستماتیک مارکسیسم لنینیسم، شرکت در فعالیتهای روزمره توده ها، گذراندن کلاسهای درسی تاریخ و سیاست، آموزش و درک همکاری سوسیالیستی و بالاخره کار مستقیم با افراد می باشد.

بمنابت بیست و هفتمین سالگرد انقلاب کوبا

توسط دهقانان منطقه، دفاع قاطع دهقانان این منطقه از دولت امپریالیسم و آمادگی رزمی آنها را به نمایش گذاشت.

همچنین خلق قهرمان کوبا و ملیشایی رزمده آن با عزمی راسخ، نقشه ارتجاعی سازمان سیاسی بر تجاوز نظامی به کوبا از طریق خلیج خوکها را در همان روزهای اول حمله با شکست روبرو ساخت. طبق سازمان جاسوسی سیا در سال ۱۹۶۰ با حمله سازمان یافته هزار کوبایی مهاجر با تجهیزات و پشتیبانی کامل ارتش آمریکا به خلیج خوکها به اجرا گذاشته شد. اما ملیشایی انقلابی این تجاوز آشکار را ظرف ۷۲ ساعت با دستگیری هزار کوبایی مهاجر و ضبط تمام تجهیزات و تأییدیه های خنثی ساخت و پیوزده ضاویزین را به خاک مالید.

این اولین شکست امپریالیسم آمریکا در قاره آمریکا بود. خلق متحد و مسلح کوبا در عمل نشان داد که چگونه طغی کوچک اما صمم و منکمل قادر به مقابله با ارتجاعی ترین و قوی ترین نیروهای ضجاوز نیز می باشد.



خلق کرد پیروز است

جدول یک ماهه
عملیات پیشمرگان
خلق کرد

غنائیم بدست آمده

۲۹	جنگ افزار انفرادی
-	انواع نارنجک
۳	بسی سیم
۱۹۰۸۰	انواع فشنگ
۹۳	خشاب
۹	جنگ افزار سنگین و نیمه سنگین
۲۱	گلوله اسلحه سنگین و نیمه سنگین
۸	بوسمتن فریب خوردگان

تلفات دشمن

۱۶۵	کشته و زخمی
۱۶	اسرای دشمن
۱۲	خودرو ضهدم یا صادره شده
-	سلاحهای ضهدم شده
*	مصحات ضهدم شده

* یک انبارچه ها هزار فشنگ
جدول یک ماهه
عملیات پیشمرگان
خلق کرد

عملیات پیشمرگه

۱۱	کمین و کنترل جاده
۴	مین گذاری
۱۷	مقابله در برابر یورش رژیم
۶	حمله به مراکز رژیم در شهرها
۱	خلع سلاح پایگاه
۴	صادر و انهدام تاسیسات
۲۱	حمله به پایگاهها
۶۴	جمع

۹	شهدای پیشمرگه
۱۴	شهدای اهالی بسی دفاع

آمار این جدول عمدتاً از اخبار راديوهای حزب دمکرات و کومه له برگرفته شده است.

۲۷ آذر تا ۲۷ دی

زمینه های اقتصادی و اجتماعی
به نفع توده ها انجام یافت.
پس از سرنگونی حکومت باتیستا
طبقه کارگر با تشکیل حزب انقلابی
خود سر و نشان طبقاتی
خود را هرچه بیشتر بر روند
انقلاب کوئید و به آن تعمیق بخشید.

دو سال بعد از سرنگونی
رژیم ارتجاعی باتیستا در سال
۱۹۶۱، نمایندگان پیروز جوانی
لیبرال از حکومت رانده شدند
و تحت رهبری حزب طبقه کارگر
پیرونی قفسی انقلاب اعلام
شد و ایجاد ساختمان سوسیالیسم
در دستور کار دولت انقلابی
قرار گرفت.

انقلاب کوبا که در جوار
در صفحه ۲۴

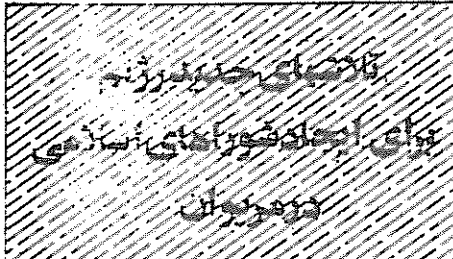
بمناسبت بیست و هفتمین سالگرد انقلاب کوبا

بدرست گرفتند. ارگان ارتش
ارتجاعی رژیم باتیستا که حافظ
نظم و مناسبات سرمایه داری وابسته
بود، درهم کوبیده شد و ارتش خلق
به منظور دفاع از دستاوردهای
انقلاب و منافع زحمتکشان کوبا
تشکیل شد. علیرغم شرکت برخی
نمایندگان بورژوازی لیبرال در حکومت،
از آنجا که قدرت واقعی در دست
نمایندگان توده ها متمرکز شده -
بود، اقدامات اساسی در

بیست و هفتمین سالگرد
انقلاب پیروزمند کارگران و
زحمتکشان کوبا، صادقی با اول
ژانویه (دهم دیماه) می باشد.
بیست و شش سال پیش اول ژانویه
۱۹۵۹، مبارزات چند ساله کارگران
و زحمتکشان کوبا با سرنگونی
حکومت دیکتاتوری و وابسته به
آمریکای باتیستا به سر رسید و
توده های مسلح تحت رهبری
انقلابیون این کشور قدرت را

... اخباری از جنبش توده های

صفحه
۱۷



راديو

صدای فدائی

امواج کوتاه ردهای ۶۵ و ۷۵ متر

ساعات ۸٫۵ بعد از ظهر

۱۲٫۵ روز بعد

خلق کرد پیروز است

جدول يك ماهه
عليات پيشمرگان
خلق کرد

در صفحه ۲۰

سرکوبگران رژیم جمهوری
اسلامی، برای در هم شکستن روحیه
مبارزه جوشی و اراده خلل ناپذیر
توده های به پا خاسته، به هر
دستکاری جنگ می اندازند، تا به
خیال خام خود با استفاده از این
دست یابند و جنبش انقلابی خلق
کرد را به شکست بکشانند.

رژیم ارتجاعی جمهوری
اسلامی علاوه بر بکارگیری ارگان-
های رسمی سرکوب خود همچون
صیبه و ارتش، همواره کوشیده
است تا از دیگر اهرم ها و ابزار
های ضابطی مثل نیروهای خود
فسرخته و خائن، پلای روستاها،
جایزها و قعودال ها ... نیز
سود جوید. این رژیم همیشه و
همه وقت بر آن بوده است تا
حتی القصدور با تکیه به
موقعیت هایی در میان خود اهالی
با تطبیق و تحمیل و یا ارضاب و
تهدیدستانان، حمایت و پشتیبانی نشان
را جلب نماید، تا از این طریق و با
استفاده از این امکان به پیشبرد
سیاست های ارتجاعی خود ادامه
دهد. تلاش های مذبحانه و عیب
سرکوبگران برای ایجاد شرایحی
در صفحه ۲

سپروس قصیری

گراسی بلاخاطره فدائی شهید رفیق
چهارمین سالگرد شهادت
رفیق سپروس قصیری
پیشمرگه آگاه فدائی و یکی
از ارزنده ترین رفقای تشکلات
سازمان در جنوب کردستان که
که در عطیات پیروز ضد کمین گذاری
پیشمرگان فدائی، در ۲ کیلومتری
فرودگاه سنندج پس از ساعتها
نبرد رویارویی، آندام و محاصره
چند دستگاه خود رو و شماری
سلاح و مهمات و به هلاکت
رسانیدن بیش از ۲ تن از
مزدوران در آخرین لحظات
پایانی درگیری، اساج گلوله
مزدوران جمهوری اسلامی قرار
گرفت و خون سوختن زمین بارور
کردستان را لگگون ساخت،
خاطره اثر گراسی بلا!

